



شیوه‌نامه ایرنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوه‌نامه ایرنا

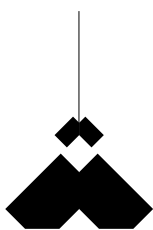
ویرایش اول 

شیوه‌نامه ایرنا

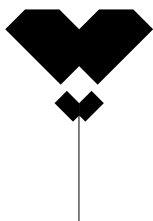
تهیه شده در معاونت خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی
تدوین: پدram الوندی و سعید ارکان زاده یزدی
با تشکر ویژه از: حسن سلامی، کامبیز نوروزی و حسام‌الدین آشنا
ویرایش اول: بهار ۱۳۹۹



پیشگفتار	۷
مقدمه	۱۱
مراامنانه	۱۹
رسم خط	۲۳
اصلاح اشتباهات رایج	۴۳
مسائل حقوقی	۶۷
واژه‌نامه	۹۵



پیشگفتار





پیشگفتار

خبرگزاری جمهوری اسلامی در مقام خبرگزاری مرجع و رسمی کشور با سابقه‌ای بیش از هشت دهه و گستره پوشش سراسری و بین‌المللی نیاز مبرمی به وحدت در عملکرد و قالب‌های محتوایی خود دارد. طی سال‌هایی که رسانه‌های کشور بالیده و توسعه پیدا کرده‌اند، چندگونگی و ناهماهنگی در قالب‌ها و شکل‌های مطالب مطبوعات، خبرگزاری‌ها و وبسایت‌های خبری پدیده‌ای بوده که روزنامه‌نگاران و نخبگان کشور را گاهی با سردرگمی مواجهه کرده است. تنوع در دیدگاه‌ها و حتی قالب‌های محتوایی رسانه‌ها مشکل به حساب نمی‌آید و اتفاقاً باعث تضارب آرا در جامعه می‌شود. اما از آن سو، پسندیده نیست که یک رسانه واحد دارای قالب‌ها و تنوع شکلی متفاوت و گاه متضاد باشد. بنابراین برای هر رسانه‌ای ضروری است که در عملکردها و قالب تولیدات خود به وحدت رویه دست پیدا کند و بهترین ابزار این کار این است که کتاب راهنمایی داشته باشد تا کارکنان بتوانند براساس آن فعالیت‌های روزمره خبری خود را تولید و هماهنگ کنند.

به همین منظور، در معاونت خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی گروهی تشکیل شد تا با مطالعات متون تخصصی و مرور رویه‌های گذشته سازمانی، کتاب راهنمایی برای خبرنگاران خود تدوین کند.



کتاب حاضر نسخه اول کتاب راهنمای خبرگزاری جمهوری اسلامی است که می‌تواند وحدت‌بخش و هماهنگ‌کننده عملکرد تمام کسانی باشد که در اتاق خبر ایرنا کار می‌کنند. خبرگزاری جمهوری اسلامی با توجه به وسعت عمل داخل و خارج از کشور و تعداد کارکنان فراوان، نیاز به متنی دارد که شیوه‌های فعالیت‌های رسانه‌ای و نگارش مطالب را به صورتی واحد در آورد و همچنین استانداردهای حرفه‌ای و حقوقی کار در خبرگزاری و ملاحظات خاص ایرنا را مدنظر داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مسایلی که تمام اهالی رسانه و به طریق اولی خبرنگاران ایرنا باید در نظر داشته باشند، مسایل اخلاق حرفه‌ای است. به همین دلیل خبرگزاری جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرده است که منشور اخلاقی و مرامنامه حرفه‌ای خبرنگاران را در قالب دو سند پایه عمل در این نهاد رسانه‌ای تصویب کند و فصل ابتدایی شیوه‌نامه نیز به این مبحث اختصاص دارد. در بخش‌های بعدی، رسم خط و همچنین اشتباهات رایج در نگارش خبرنگاران تشریح شده است. در یکی از فصول شیوه‌نامه نیز مسایل حقوقی مد نظر قرار گرفته است.

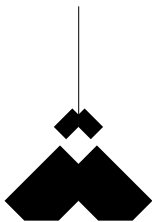
هر خبرنگاری فارغ از جایگاه حرفه‌ای خود باید بداند در یک بستر حقوقی وسیع‌تر کار می‌کند و دارای حقوق و همچنین مسئولیت‌هایی است که بر اساس آن‌ها فعالیت خبری را پیش می‌برد.

هیچ شیوه‌نامه‌ای در رسانه‌ها کامل و بری از اشتباهات احتمالی نیست. لطف خبرنگاران شریف و زحمتکش ایرنا خواهد بود اگر پس از انتشار شیوه‌نامه، مشکلات



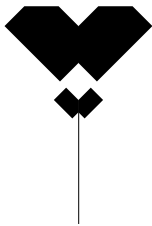
آن را به تدوین‌کنندگان منتقل کنند تا ویرایش‌های بعدی با نقایص کمتری منتشر شود. تدوین این شیوه‌نامه، بدون راهنمایی و مساعدت تک‌تک خبرنگاران خبرگزاری ممکن نبود و امیدوارم انتشار آن گامی مفید در جهت ارتقای عملکرد حرفه‌ای و انجام وظایف قانونی بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین خبرگزاری کشور باشد.

دکتر سید ضیاء هاشمی



فصل اول

مقدمه





ایرنا باید صدای دولت و ملت باشد *

راستی چه خبر؟ وقتی افراد به همدیگر می‌رسند، تقریباً نخستین چیزی که از هم می‌پرسند این است: چه خبر؟

انسان آگاهی‌جوست و به دنبال کسب اطلاعات برای کنترل بیشتر بر محیط اطراف خود است. خصلت کسب اطلاعات از ویژگی‌های طبیعی موجودات زنده است. هرچه از نظر سیر تکاملی این موجود زنده ارتقا و اعتلا پیدا می‌کند، نیاز به آگاهی برای کنترل بر محیط اطرافش در او بیشتر می‌شود.

در قرآن کریم، از پیامبر (ص) به عنوان نبی یاد می‌شود؛ یعنی پیامبر یک خبررسان است. نبی کسی است که خبر می‌دهد. نبأ فقط خبر نیست؛ نبأ عظیم، آن مهم‌ترین خبر بزرگ است. از دیدگاه قرآن، مردم درباره آن خبر بزرگ از همدیگر سؤال می‌کنند و آن خبر بزرگ مربوط به گذشته و حال هم نیست، بلکه مربوط به آینده است. ما درباره اخباری که نیامده است، معمولاً با هم بسیار اختلاف داریم: «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (سوره نبأ، آیه ۳) ما در برابر اخبار گذشته‌نگر با هم اختلاف داریم، چه رسد به اخبار آینده‌نگر. درباره اموری که در گذشته واقع شده‌اند یک روایت نداریم، چه رسد به اموری که پیش‌بینی می‌کنیم در آینده قرار است واقع شوند.

قرآن کتابی پر از خبر است: خبرهای مربوط به گذشته؛ بسیار گذشته؛ مربوط به لحظه خلقت آدم؛ و



مربوط به لحظه هبوط آدم. قرآن خبررسانی را از ماقبل از آدم شروع می‌کند و تا خبرهایی که مربوط به زمان زندگی پیامبر(ص) است ادامه می‌دهد. این اخبار هم آشکارند و هم پنهان. بسیاری از اخباری که قرآن درباره آن‌ها خبر داده است آشکار شده‌اند؛ قرآن حتی درباره درون انسان نیز خبر داده است: اوست که به اسرار آگاه است.

قرآن کریم درباره توطئه‌های دشمنان اسلام و اقدامات منافقان و خرابکاران نیز افشاگری می‌کند. در واقع بسیاری از اخبار قرآن آینده‌نگرند و مربوط به زمانی است که هنوز نیامده است. اخبار قرآن محدودیت جغرافیایی ندارد؛ یعنی این اخبار هم از زمان عبور می‌کنند و هم از مکان. قرآن درباره مکان‌هایی خبر می‌دهد که بعدها خواهند آمد و صرفاً مربوط به جغرافیای عربستان نیستند؛ پس در قرآن اخبار برون‌مرزی هم می‌بینیم. قرآن یک کتاب خبر ماندگار است. راز ماندگاری این اخبار چیست؟

در برداشت اولیه ما، خبر آن چیزی است که مصرف روزانه دارد و امری گذراست، اما ما با کتابی روبه‌رو هستیم که اخبار آن گذرا نیست و تا قیام قیامت این اخبار ارزش استنادی دارند و می‌توان به این اخبار آرشیوی بارها استناد کرد.

یکی از وجوه اخبار قرآنی و ماندگاری آن‌ها دقت این اخبار است. قرآن دقیق است و دقت آن در حد نیاز است. در اخبار قرآن، حشو و زوائد مشاهده نمی‌کنیم و این اخبار برای تأثیرگذاری خاصی طراحی شده‌اند. انتساب‌ها در قرآن بسیار دقیق‌اند و کاملاً حساب شده هستند. از این مسئله می‌توان برای ایرنا الگو گرفت. ایرنا یک رسانه رسمی است. وقتی شما یک خبرگزاری



رسمی هستید مقدورات و محدودیت‌هایی دارید. همه ما مقدورات و محدودیت‌های یک خبرگزاری رسمی را با گوشت و پوست و خون و آبرو و حیثیت و تعلیق و هشدار و تذکر لمس کرده‌ایم.

در تاریخ معاصر ایران، دولت‌ها از زمان رضاشاه تا الآن احساس مظلومیت می‌کنند. تاریخ تأسیس خبرگزاری پارس (ایرنا) فعلی) به سال ۱۳۱۳ شمسی برمی‌گردد. رساله فوق‌لیسانس من درباره تبلیغات در دوره رضاشاه است. از زمان رضاشاه، دولت احساس بی‌تریونی و بی‌بلندگویی می‌کرده است؛ یعنی همیشه نیاز بوده یکی درباره خدمات دولت به مردم اطلاع‌رسانی کند یا خارج از زبان دولت با کشورهای دیگر حرف بزند. از همان موقع تلاش شده یک بلندگو برای دولت تأسیس شود. این تاریخچه و ریشه ما به‌عنوان ایرنا یا خبرگزاری پارس است.

ما به‌عنوان یک خبرگزاری متولد شدیم تا خدمات و صدای دولت را به گوش ملت برسانیم. ایرنا تخصصی‌ترین نهاد خبری در کشور است که می‌تواند خبرهای دولت را بسته‌بندی کند و به ملت برساند. من حداقل دو بار از رئیس‌جمهور محترم شنیده‌ام که ایرنا به‌واقع حرفه‌ای‌ترین و دقیق‌ترین خبرها را درباره دولت منتشر می‌کند.

ما به‌صورت ساختاری تربیت شده‌ایم تا اخبار دولت را به گوش ملت برسانیم. از آن‌سو مردم هم انتظار دارند در رسانه‌های حاکمیتی صدای آن‌ها شنیده شود و تصویر آن‌ها دیده شود. خبرگزاری جمهوری اسلامی اگر می‌خواهد در دل مردم بماند، باید راه این کار را پیدا کند.

ما به‌واسطه سنت تلکس محرمانه و ویژه‌ای که داشتیم



فکر می کردیم وظیفه خودمان را انجام داده ایم و صدای مردم را به مسئولان رسانده ایم. این بسیار بحث مهمی است که وقتی مردم به خبرگزاری جمهوری اسلامی و سایت آن نگاه می کنند صدایی رسمی از طرف دولت به ملت را بشنوند یا این که یک گفت و گوی دوطرفه را دنبال کنند. پیش بینی من این است که آینده خبرگزاری جمهوری اسلامی به این امر وابسته است که چقدر بتواند صدای مردم را منعکس کند و مردم چقدر بتوانند خودشان را در آن ببینند.

مایلم تجربه ای را برایتان بگویم: اصلاً فکر نکنید مسئولان بیشتر از مردم عادی می فهمند. مسئولان همین فرزندان من و شما هستند یا خود من و شما هستیم که در اثر حادثه یا برنامه ریزی به مسئولیتی رسیده ایم. این طور نیست هر فردی که پشت این میز بنشیند در هوش و سواد و تقوای او جهشی صورت بگیرد. حرفم این است که اگر ما سواد خبری جامعه را افزایش بدهیم، یعنی با مسئولان هم حرف زده ایم. اگر فهم خبری مردم افزایش پیدا کند و اگر به راحتی کلاه خبری بر سر مردم نرود، مسئولان هم مجبورند سطح خودشان را افزایش بدهند. این یک بحث راهبردی بسیار مهم در حوزه خبر است. تا هنگامی که خبر ضعیف تولید می کنیم، مسئول دروغ گوی تبلیغاتچی می تواند حرف هایی به مردم بزند که بر سر مردم کلاه برود. باید رفتار ما در حوزه خبری به گونه ای باشد که مردم احساس کنند آگاهی عمومی خبری آن ها افزایش می یابد. اگر هنوز می شود تورم را جای گرانی و گرانی را جای تورم فروخت، این تقصیر متوجه نهادهای خبری است، به خاطر اینکه سواد خبری و رسانه ای مردم را افزایش نداده اند. اگر آلودگی و لودگی خبری، ذهن و افکار مردم را زیر خروارها



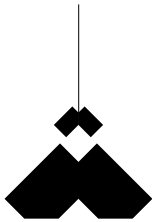
فیک‌نیوز (اخبار جعلی) دفن کرده است، به دلیل کوتاهی رسانه‌های خبری معتبر است. نکته پایانی سخنانم رابطه ایرنا و روابط عمومی‌هاست. روابط عمومی مسئله بسیار پیچیده‌ای است. منبع خبری یا حوزه خبری با روابط عمومی ارتباط مستقیمی دارد. روابط عمومی‌ها به گونه‌ای تربیت شدند که خبرنگار بخرند. بعضی‌ها به صورت نفروخته خودشان خریده شده‌اند، برای بعضی هزینه می‌شود. بعضی‌ها نیز هزینه می‌کنند تا هیچ خبری درباره آن‌ها بیرون نرود؛ یعنی سکوت را می‌خرند. بعضی نیز جوان و جویای نام‌اند، دلشان می‌خواهد در همه بخش‌های خبری دیده شوند، عکس می‌گیرند و همه کارهای لازم را از نظر خودشان برای مطرح شدن انجام می‌دهند. ما به عنوان ایرنا باید با روابط عمومی‌ها فعالانه کار کنیم، اما روابط عمومی‌ها باید متوجه باشند که سخت‌ترین خبرنگاران برای خرید و فروش در ایرنا هستند. کسی که مثلاً در روابط عمومی یک وزارت فخیمه است باید بداند که می‌تواند با خبرنگار هر خبرگزاری دیگری کنار بیاید، اما با خبرنگار ایرنا نمی‌تواند. رابطه روابط عمومی‌ها با ایرنا باید این گونه باشد که من خبر اختصاصی را به شما می‌دهم، برای اینکه اگر شما خبر من را کار کنید مردم هم آن را باور می‌کنند، چون شما قبلاً درباره من دروغ نگفته‌اید. کارهایی که روابط عمومی‌ها برای رؤسای خودشان می‌کنند عمدتاً به بی‌اعتبار شدن آن‌ها منجر می‌شود. منظورم تنها یک جمله است: لازم نیست در بی‌اعتبار کردن خودتان، برای معتبر شدن کسی مشارکت کنید. اگر ما بتوانیم اعتبار ایرنا را حفظ کنیم، همه سطح خودشان را با ایرنا تطبیق می‌دهند. ما کارکنان ایرنا باید یک آیین‌نامه حرفه‌ای داشته



باشیم. از نظر من، آیین‌نامه باید کف کار ما باشد. اگر می‌خواهیم به سمت آموزش برویم، به یک میثاق و خط‌مشی خبری نیاز داریم تا بتوانیم استانداردهای ایرنا را افزایش بدهیم و از آن به بعد با آن سنجیده شویم و در عمل نیز باید به آن مقید باشیم. من به تک‌تک شما قول می‌دهم اگر یک سال بر مبنای یک آیین‌نامه حرفه‌ای خبری عمل کنیم و تقیدمان به آن آیین‌نامه خبری را اعلام کنیم، سطح اتکا و اعتماد همه خبرگزاری‌ها به ما به شدت، به صورت جهشی، افزایش می‌یابد.

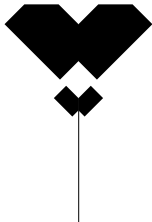
برای تک‌تک همکاران ایرنا آرزوی موفقیت دارم. به امید روزی که فرمود: «إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (سوره نبأ، آیه ۱۷)؛ امیدوارم آن روز میقات بتوانیم در قبال فعالیت‌های خبری و روزمره‌ای که انجام داده‌ایم پاسخ‌گو باشیم.

* متن سخنرانی دکتر حسام‌الدین آشنا، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و عضو شورای عالی ایرنا، در جمع مدیران، سردبیران و رؤسای دفاتر و مراکز ایرنا



فصل دوم

مراامنانه حرفه‌ای





۱- ما «دقت، صحت و سرعت» را شعار محوری خود می‌دانیم و تلاش می‌کنیم با استفاده از همه امکانات و توانایی‌های خود، از جمله به کارگیری فناوری‌های نوین، محصول خود را با نهایت دقت، صحت و همچنین در سریع‌ترین زمان ممکن به دست مخاطبان برسانیم.

۲- ما ضمن پذیرش تفاوت نگاه‌ها و نگرش‌ها، تلاش می‌کنیم تا از موضوعات خبری روایتی صادقانه، بدون اعمال نظرات شخصی و سلیقه‌ای ارائه دهیم و اطلاعات لازم را برای آگاهی، بهره‌گیری، قضاوت و سنجش در اختیار مخاطبان ایرنا بگذاریم.

۳- ما رعایت منافع ملی را در چارچوب ضوابط خبری، وظیفه حرفه‌ای خود می‌دانیم.

۴- ما حریم خصوصی و حیثیت شخصی افراد را کاملاً رعایت می‌کنیم.

۵- ما در جمع‌آوری، پردازش و انتشار اخبار از شیوه‌های غیراخلاقی استفاده نمی‌کنیم.

۶- ما اخبار دست‌اول را که به دلیل جایگاه حرفه‌ای‌مان به آن‌ها دسترسی داریم، پیش از انتشار روی خروجی‌های خبرگزاری، در اختیار منابع دیگر اعم از رسانه‌های رسمی و کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار نمی‌دهیم.

۷- ما رسانه افراد، نهادها و جریان‌های سیاسی نمی‌شویم بلکه تنها اخبار مربوط به آن‌ها را منتشر می‌کنیم.

۸- ما به شکایات رسیدگی می‌کنیم و اشتباهات خود را می‌پذیریم و ضمن تلاش برای جبران آسیب‌های احتمالی برآمده از اشتباهات‌مان، در مواقع لازم عذرخواهی رسمی نیز خواهیم کرد.



۹- ما اگر در جریان کار حرفه‌ای خود، دچار تعارض منافع سازمانی شویم، موارد تعارض منافع (اعم از اقتصادی، سیاسی و...) را بلافاصله به مدیران حوزه خبر اعلام می‌کنیم.

۱۰- ما متعهدیم با توجه به حوزه کاری تخصصی خود، از تولید و انتشار محتواهای مشابه ایرنا در رسانه‌ها و سازمان‌های دیگر خودداری کنیم.

۱۱- ما هرگونه همکاری خبرنگاران ایرنا با سایر حوزه‌های خبری را که منجر به وابستگی و تعامل مالی با این حوزه‌ها شود، ممنوع می‌دانیم، حتی اگر انتفاعی مالی هم در این همکاری وجود نداشته باشد.

۱۲- ما از دریافت هدایای نقدی و غیرنقدی از حوزه‌های خبری که ارزش آن از حد مشخصی بالاتر باشد خودداری می‌کنیم و اگر ناگزیر باشیم برای تداوم ارتباط مطلوب با حوزه خبری هدیه‌ای دریافت کنیم، آن را به مدیران حوزه خبر اطلاع می‌دهیم.

۱۳- ما تنها زمانی دعوت‌های عمومی و خصوصی نهادها و اشخاص را می‌پذیریم که ارزش خبری روشنی برای سازمان داشته باشد و منجر به توقعات غیرحرفه‌ای از ایرنا نشوند.

۱۴- ما هنگام درج نظراتمان در آن حساب‌های کاربری شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی که خود را به عنوان خبرنگار ایرنا معرفی کرده‌ایم، حتماً به صراحت عنوان می‌کنیم که مطالب نویسنده ربطی به مواضع ایرنا ندارد و مراقب وجهه سازمان خواهیم بود. همچنین مسایل داخلی خبرگزاری را در فضای عمومی مطرح نمی‌کنیم.

۱۵- ما موظفیم مطالب توهین‌آمیز و پرخاشگرانه یا با الفاظ رکیک و زبان تند ننویسیم. ما در تولیدات

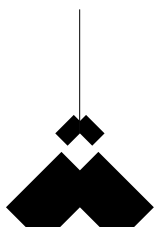


رسانه‌ای خود مطالب موهن به ادیان و مذاهب، اقوام و زبان‌های ایرانی را بازگو نمی‌کنیم و به کلیشه‌ها درباره گروه‌های اقلیت دامن نمی‌زنیم.

۱۶- ما به حق مولف احترام می‌گذاریم و هرگونه محتوایی را با ذکر منبع منتشر می‌کنیم.

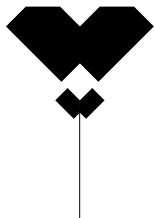
۱۷- ما می‌پذیریم که انتشار محتوای سایر رسانه‌ها یا خبرهایی که منابع خبری رسمی در اختیار می‌گذارند، نافی مسئولیت‌مان نیست و پیش از انتشار اخبار دریافتی نیز از صحت آنها اطمینان حاصل می‌کنیم.

۱۸- ما از نام و عنوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی استفاده شخصی نمی‌کنیم.



فصل سوم

رسم خط





مقدمه

شاید هیچ زبانی به اندازه زبان فارسی دچار چندگانگی در رسم خط و شیوه نگارش نباشد؛ این پراکندگی تا حدی است که حتی برخی کتاب‌های منبع در حوزه شیوه نگارش فارسی را نیز در بر گرفته است و خود آن‌ها که باید آموزش‌دهنده شیوه‌ای واحد باشند نیز دچار چندگانگی شده‌اند. این مشکل وقتی عمیق‌تر است که پای رسم خط به مطبوعات و حوزه رسانه‌ای کشور گشوده می‌شود. به‌طور قطع تنوع نگاه‌ها در رسانه‌ها و حتی بین صاحب‌نظران این حوزه فراتر است و کار به جایی رسیده که چندگانگی در رسم خط مطبوعات و رسانه‌های کشور اینک به یکی از مشکل‌های اساسی تبدیل شده است و وحدت رویه‌ای در این زمینه به چشم نمی‌خورد. در چند دهه اخیر، نظریه‌های مختلفی درباره نحوه نگارش در رسانه مطرح شده‌اند که هر یک استدلال‌های خود را نیز دارد؛ به‌طور مثال در یک نظریه گفته شده است که واژه‌های عربی مانند قائم یا رئیس را فارسی کنیم و به شکل «قایم» و «رئیس» بنویسیم، اما در نظریه بعدی تأکید شده که اگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای این‌گونه واژه‌ها معادل پیشنهاد کرد و رایج شد آن‌ها را جایگزین کنیم، در غیر این صورت به قاعده‌های عربی احترام بگذاریم و شکل صحیح عربی آن‌ها را بنویسیم.

با احترام به همه دیدگاه‌هایی که درباره شیوه نگارش کلمات در حوزه رسانه مطرح است، به‌منظور ایجاد وحدت رویه سازمانی، همه کارکنان در هر رده‌ای موظف‌اند رسم خط این کتاب راهنما را که با استناد



به دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی تهیه شده است ملاک عمل قرار دهند. در این رسم خط سعی شده است مؤلفه‌های رایج در نگارش که محل اشکال قرار دارد مدنظر قرار گیرد، اما به‌طور حتم برخی موردها از قلم افتاده که با کمک همکاران در ویرایش‌های بعدی شیوه‌نامه تکمیل خواهد شد.

نحوه جمع بستن کلمه‌ها

علامت جمع در زبان فارسی «ها» و «ان» است. جمع بستن کلمه‌های فارسی با علامت‌های جمع مذکر و مؤنث سالم زبان عربی (ون، ین، ات) درست نیست. شیوه پذیرفته شده در همه زبان‌ها به گونه‌ای است که وقتی واژه بیگانه‌ای به دنیای واژگان آن‌ها وارد می‌شود با نزدیک کردن آن واژه به فرهنگ خود، آن را به شکلی بومی می‌کنند.

♦ افزودن «ات» عربی و «جات» به برخی واژه‌های فارسی و عربی درست نیست.

بنویسیم	ننویسیم
کارخانه‌ها، پیشنهادها	کارخانجات، پیشنهادات
تراوش‌ها، گرایش‌ها	تراوشات، گرایشات
سفارش‌ها، بازرسان	سفارشات، بازرسین
آزمایش‌ها	آزمایشات

بنویسیم	ننویسیم
داوطلبان	داوطلبین
مجروحان	مجروحین



♦ جمع بستن کلمه‌های فارسی و عربی به شکل مکسر عربی پسندیده نیست و بهتر است از جمع‌های فارسی استفاده کنیم:

بنویسیم	ننویسیم
کتاب‌ها، فقیران	کتب، فقرا
عارفان، شاعران	عرفا، شعرا
عاقلان، سفیران	عقلا، سفرا

♦ بهتر است واژه‌های عربی را نیز با نشانه‌های جمع فارسی جمع ببندیم:

بنویسیم	ننویسیم
مستضعفان، مستکبران	مستضعفین، مستکبرین
مسئولان	مسئولین
حاضران	حاضرین

♦ نکته: میدان واژه‌ای فارسی است و نوشتن میادین غلط است.

♦ نکته: در موارد زیر کلمه‌ها فقط با «ها» جمع بسته می‌شوند:

- «جامدها (جمادات)» مانند: کوه‌ها، سنگ‌ها، گنج‌ها و...
- «اسم‌های معنی» مانند هنرها، شادی‌ها، رازها و...
- اجزای رستنی مانند شاخه‌ها، برگ‌ها و...
- فرآورده‌های حیوانی و گیاهی مانند گیل‌ها، سیب‌ها، میوه‌ها و...



- اعضای فرد بدن مانند گردن‌ها، سرها و ...
- مایعات مانند آب‌ها، شیرها، باده‌ها، شربت‌ها و ...
- سایر اسم‌ها را می‌توان با «ها» و «آن» جمع بست: درختان / درخت‌ها، مسلمانان / مسلمان‌ها، روزگاران / روزگارها و ...

♦ در کلمه‌هایی که به «ه» غیرملفوظ ختم می‌شوند موقع جمع بستن با «ان»، «ه» غیرملفوظ به «گ» تبدیل می‌شود: بنده: بندگان، تشنه: تشنگان، خسته: خستگان، شیفته: شیفتگان و ...

«ه» غیرملفوظ این‌گونه کلمه‌ها موقع جمع بستن با «ها» حذف نمی‌شود و «ها» جدا از کلمه نوشته می‌شود؛ مانند نامه‌ها، جامه‌ها، ریشه‌ها و ...

پیوسته‌نویسی کلمه‌های مرکب

وقتی واژه جدیدی از ترکیب دو یا چند واژه شکل می‌گیرد بر اساس اصل «حد و استقلال کلمه» آن واژه باید سرهم نوشته شود. به‌طور مثال، کلمه صاحب‌دل اگر جدا نوشته شود، با کسره اضافه صاحب‌دل خوانده می‌شود (کسی که دارای دل است) اما صاحب‌دل معنای سالک و عارف می‌دهد. این قاعده با هدف آسان‌خوانی و رعایت زیبایی کلمه، استثناهایی به شرح زیر دارد که در آن‌ها اجزای کلمه باید با نیم‌فاصله نوشته شوند.

بنویسیم	نویسیم
مصلحت‌بین	مصلحت‌بین
حقیقت‌جو	حقیقت‌جو



اصولگرا	اصول‌گرا
آییننامه	آیین‌نامه
مردم‌شناسی	مردم‌شناسی
ایران‌شناسی	ایران‌شناسی
روانشناسی	روان‌شناسی

نیم‌فاصله

در دوران کنونی که حروف چینی رایانه‌ای همه‌گیر شده، نیم‌فاصله (شیفت+اسپیس) به ابزاری برای پیوسته‌نویسی کلمه‌های مرکب تبدیل شده است. رعایت نیم‌فاصله در کلمه‌هایی که یک واحد معنایی را تشکیل می‌دهند اما اجزای جدا از هم دارند، در ایرنا ضروری است.

ننویسیم	بنویسیم
نمی شود	نمی‌شود
آیین نامه	آیین‌نامه
دانش بنیان	دانش‌بنیان
تحریم‌ها	تحریم‌ها
اصلاح طلب	اصلاح‌طلب
عنایت الله	عنایت‌الله
فلاحت پیشه	فلاحت‌پیشه
یک سوم	یک‌سوم

♦ در صورت هم‌مخرج بودن حرف پایانی جزء اول و حرف آغازی جزء دوم، دو کلمه جدا از هم ولی بدون فاصله‌نوشته می‌شود: آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف



...و

♦ اگر جزء دوم کلمه با «آ» آغاز شود، تابع دو اصل آسان خوانی و آسان نویسی است: مانند غول آسا، رهاورد
...و

♦ کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آن‌ها با «ا» شروع می‌شود جدا از هم و بدون فاصله (با نیم‌فاصله) نوشته می‌شوند؛ مانند: هم‌اتاق، هم‌اکنون، هم‌اسم، خوش اخلاق و...

♦ در مصدرهای مرکب، دو جزء جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: چشم‌داشتن، دل‌دادن، اما هنگامی که از این مصدرها کلمه مرکبی حاصل شود سرهم نوشته می‌شود مانند: دل‌داده و...

♦ انواع مختلف پسوندها (مند، خوار، وند، سا، سان و ...) به کلمه‌های قبلی می‌چسبند مانند: دولتمرد، گل‌سا، آيسان و...

♦ کلمه‌های مرکبی که باید با استفاده از نیم‌فاصله جدا نوشته شوند عبارتند از:

- ♦ ترکیب‌های اضافی مانند: شورای عالی، صرف‌نظر، دست‌کم، سیب‌زمینی، آب‌میوه، آب‌لیمو.
- جزء دوم با الف آغاز شود مانند: دل‌انگیز.
- مرکب‌های اتباعی و متشکل از دو جزء مکرر مانند پول‌مول، تک‌تک، سنگین‌رنگین.
- مصدر مرکب مانند: سخن‌گفتن، سخن‌گفتم.



مطابقت فعل با فاعل

هرگاه فاعل یا کننده کار جاندار باشد (انسان یا جانور) فعل باید از فاعل تبعیت کند:
آموزگار آمد، آموزگاران آمدند.
گوسفند گم شد، گوسفندان گم شدند.

♦ در صورتی که فاعل بی جان باشد فعل را هم می توان مفرد نوشت هم جمع؛ مانند: مدرسه ها باز شد. جاده ها خراب شد.

♦ برای اسم جمع، فعل به صورت مفرد می آید: ملت قیام کرد، کاروان به راه افتاد.

کلمه مردم از این قاعده مستثنی است و فعل آن همیشه جمع است، مانند: مردم در مصرف برق صرفه جویی کنند.

هرگاه تعداد فاعل نامشخص باشد مانند برخی و عده ای، فعل به صورت جمع می آید، مانند: عده ای آداب معاشرت را رعایت نمی کنند.

ترکیب اضافی و وصفی

به ترکیب صفت و موصوف ترکیب وصفی و به ترکیب مضاف و مضاف الیه ترکیب اضافی می گویند. در هر دو ترکیب، جزء اول به وسیله کسره با جزء دوم رابطه برقرار می کند: مرد نیکوکار، مطرب عشق.

♦ در این ترکیب ها هرگاه مضاف یا موصوف به مصوت «ا» و «و» ختم شود کسره به «ی» تبدیل می شود: روی زیبا، دانای روزگار.



♦ در ترکیب‌ها آخر کلمه باید صدای او (u) بدهد تا کسره تبدیل به «ی» شود، اگر صدای اُ (o) یا واو (w) داد، «ی» نمی‌گیرد مثل جلو پنجره که جلوی پنجره نوشته نمی‌شود، یا کتاب نو احمد که کتاب نوی احمد غلط است.

حذف فعل به قرینه

در زبان فارسی برای پرهیز از تکرار، فعل به شرط وجود قرینه حذف می‌شود. این قرینه ممکن است لفظی یا معنوی باشد.

• **لفظی:** فعل یک بار می‌آید و در جمله بعد یا قبل حذف می‌شود؛

مانند: همان آش است و همان کاسه (است)، یا: نمایندگان مجلس مسکوت ماندن طرح تشکیل و فعالیت احزاب را مطرح و تصویب کرد. در مثال‌های بالا فعل «است» و «کرد» حذف شده که به فصاحت، روانی و کوتاهی جمله کمک کرده است.

• **معنوی:** فعل در جمله نمی‌آید اما از معنای جمله می‌توان به معنای آن پی برد.

♦ چنانچه حذف در جمله بدون قرینه انجام شود یا قرینه‌ها روشن نباشد، نه تنها به کوتاهی جمله کمک نمی‌کند، بلکه باعث ابهام و نارسایی معنای جمله نیز می‌شود.

مانند: مأموران پلیس ساختمان را محاصره، گروگان‌گیران را دستگیر و به زندان فرستادند.

در اینجا فعل «کردند» بدون هیچ قرینه لفظی یا



معنوی حذف شده است؛ یعنی به قرینه فعل «فرستادند» نمی‌توان فعل «کردند» را حذف کرد زیرا از یک جنس نیستند.

صورت درست جمله قبلی چنین است: مأموران پلیس ساختمانی را محاصره، گروگان‌گیران را دستگیر کردند و به زندان فرستادند.

♦ گاهی حتی فعل اول منفی و فعل دوم مثبت است، اما فعل منفی اول حذف و مفهوم جمله کاملاً دگرگون می‌شود.

نمونه: سفر مقام کره‌ای به ایران لغو و تفاهم‌نامه دوجانبه رسیدگی نشد که در واقع درست آن چنین است: سفر مقام کره‌ای به ایران لغو شد و تفاهم‌نامه دوجانبه پیگیری نشد.

♦ در موردهایی که دو فعل مشابه در یک جمله به کار می‌رود، فعل نخست

مثال: حسین به خانه علی وارد می‌شود و مشمول فهرست مهمانان می‌شود.

شکل بهتر: حسین به خانه علی وارد و مشمول فهرست مهمانان می‌شود.

♦ در چند سال اخیر شیوه غلطی برای این موارد به کار گرفته شده که فعل نخست را به «شده» تبدیل می‌کنند:

حسین به خانه علی وارد شده و مشمول فهرست مهمانان می‌شود. این شیوه نادرست است زیرا زمان فعل دگرگون و نامفهوم و محتوا نیز عوض می‌شود.



نوشتن همزه در زبان فارسی

همزه در زبان فارسی فقط در اول کلمه واقع می‌شود و هرگز در وسط یا آخر آن قرار نمی‌گیرد، اما در زبان عربی همزه در اول، وسط و آخر کلمه‌ها نیز می‌آید. همهٔ مشکل‌های ناشی از نوشتن همزه نیز از همین جا ناشی می‌شود. در زبان فارسی نوشتن همزه با هیچ مشکلی روبه‌رو نیست؛ زیرا همیشه در اول کلمه می‌آید و به‌صورت الف ممدود (آ) نوشته می‌شود.

♦ در مورد همزه، توجه به نکته‌های زیر ضروری است:

- اگر همزه در اول کلمه باشد به‌صورت الف نوشته می‌شود؛ مانند: استغفار، ایمان.

- اگر در آخر کلمه باشد و بعد از مصوت بلند «ا» قرار بگیرد نه نوشته و نه خوانده می‌شود؛ مانند انشا، املا، الفبا، اطبا، اعضا و ...

♦ همزه آخر کلمات با «ه» غیرملفوظ نوشته نمی‌شود، مثل نامه که باید نوشته شود: نامه.

♦ کسره اضافه در کلمه‌های بالا تبدیل به «ی» می‌شود: اطبای حاذق، اعضای گروه.

♦ حذف همزه پایانی در دو مورد جایز نیست:

- اول: پس از صامت مانند جزء، شیء.
- دوم: زمانی که حذف همزه آخر موجب بدخوانی می‌شود مانند خلاء، سوء، ماء که اگر همزه آخر را حذف کنیم، با کلمه‌های سو و ما



اشتباه می شود.

◆ کلمه‌هایی که همزه وسط یا آخر دارند مربوط به زبان فارسی نیستند، پس نباید در وسط کلمه‌های فارسی همزه نوشته شود و باید از «ی» استفاده شود.

بنویسیم	نویسیم
بفرمایید- آئین	بفرمایید- آیین
روشنایی- پائین	روشنایی- پایین
دانایی- سائیدن	دانایی- ساییدن

◆ همزه بعد از مصوت کوتاه ـ روی پایهٔ «ا» نوشته می شود؛ مانند تأدیب، تأثیر.

◆ همزه بعد از مصوت ـ روی کرسی «و» نوشته می شود مگر آنکه پس از آن مصوت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود؛ مانند موذن، شئون.

◆ همزه در آخر کلمه به «ی» تبدیل می شود: ابتدای، انقضای، احیای، اجزای.

◆ همزه در آخر کلمه وقتی حرکت نداشته باشد حذف می شود: ابتدا، انتها، انقضا، احیا، اجزا.

◆ هرگاه بعد از حرف «ا» قرار گیرد می توان در زبان فارسی آن را به شکل «ی» نوشت؛ مانند: نایب، وسایل، کاینات.



در مواردی هم بنا بر اصل تطابق مکتوب با ملفوظ همزه بعد از مصوت «ا» روی پایه «ی» نوشته می‌شود، مانند: قائم، قائمه.

♦ همزه در کلمه‌هایی که از زبان‌های بیگانه به فارسی آمده‌اند روی پایه «ی» نوشته می‌شود، مانند: لائوس، کاکائو، سئول، تتاتر.

♦ اگر حرف پیش از همزه مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «ا» باشد به صورت «آ» نوشته می‌شود، مانند: قرآن، مآخذ، مرآت.

♦ هرگاه همزه میانی پس از «ا» قرار گیرد و حرکت فتحه داشته باشد روی کرسی «ی» نوشته می‌شود، مانند: برأت، دنائت.

نشانه گذاری در خبر

در نوشتن خبر و نگارش گزارش، تحلیل و تفسیر و مصاحبه، از هر یک از علامت‌ها یا نشانه‌های دستور زبان فارسی مانند نقطه، ویرگول، نقطه‌ویرگول، علامت نقل قول مستقیم، گیومه و پراتتز یا کمانک در جای خود استفاده شود.

♦ نقطه

• به جز در تیتیر خبر و گزارش، پایان هر جمله و پاراگراف (بند) نقطه قرار می‌گیرد. برای نمونه:
برای آنکه زندگی شما بتواند معنای مهم‌تر و بزرگ‌تری داشته باشد راه‌های مختلفی وجود دارد. ممکن است عضو یک جنبش سیاسی یا اجتماعی باشید که برای



بهرتر کردن جامعه و برای خوشبختی نسل‌های آینده می‌کوشد. یا ممکن است با زندگی‌تان تنها به مهیا کردن یک زندگی خوب برای فرزندان خود و فرزندان آنها (نوه‌هایتان) کمک کنید.

- پس از نقطه (.) «هرگز واو نمی‌آید. نمونه: ۳۵ درصد پاسخگویان به تمرکز دین بر جنبه‌های معرفتی و باطنی توجه دارند؛ و حدود ۵۵ درصد به رعایت کردن اعمال مذهبی معتقد هستند.

- نقطه در پایان تیتراژ جایگاهی ندارد و کاربرد آن معمول نبوده و نیست؛ اگرچه برخی معدود رسانه‌های خارجی انتهای تیتراژ نقطه می‌گذارند، اما رویه معمول در رسانه‌های کشورمان نداشتن نقطه است و در این رسم خط نقطه در تیتراژ پذیرفتنی نیست.

♦ ویرگول

ویرگول برای مکث یا توقف کوتاه میان دو واژه در عبارت‌ها، جمله‌ها و بندها (پاراگراف‌ها) قرار می‌گیرد و در درست خواندن و درست فهمیدن متن و درک سریع پیام یک نوشته بسیار اهمیت دارد.

- نمونه‌ها:

نمونه (۱) حملهٔ مردان مسلح، پالایشگاه نفت بیجی را در عراق تعطیل کرد (تیتراژ خبر)

نمونه (۲) به نادرستی می‌گویند که سیاست، کار مردان است.

- پس از ویرگول (،) هرگز واو نمی‌آید.
- ویرگول هرگز جای دیگر نشانه‌های دستور زبان فارسی مانند نقطه و ویرگول یا علامت تعجب را



نمی گیرد.

• استفاده نابه‌جا از ویرگول در تیتیر خطای رایج در تیتیرنویسی است. استفاده از ویرگول به‌جای دونقطه در نقل قول‌ها، فراوان‌تر از به‌کارگیری نابه‌جای ویرگول در تیتیر و متن خبر است.

نادرست	درست
کویت، اعمال دهشت‌افکنی (تروریستی) را به اسلام ارتباط ندهید.	کویت: اعمال دهشت‌افکنی (تروریستی) را به اسلام ارتباط ندهید

◆ نقطه ویرگول (؛)

نشانه تکمیلی یا تکمیل کردن يك عبارت و جمله یا واژه است و در بندها باید به جای خود به کار رود.
نمونه‌ها:

• قیام‌های کشورهای عربی به نسل جوان این کشورها متکی است؛ نسلی که تحقیر شده و گرفتار آفت‌هایی همچون استبداد، فقر و بیکاری است.

• عنوان بحث من «ماهیت عقلانیت» است؛ یعنی فضیلت خردورزی، اما نخست باید چند کلمه‌ای درباره «اعتقاد به خدا» بگویم.

در بند بالا، هریک از نشانه‌های گیومه، ویرگول و نقطه به‌درستی به کار رفته است. از گیومه برای تأکید و نقل قول مستقیم عبارت استفاده می‌شود.

عددنویسی

◆ روزهای هفته

عدد روزهای هفته به شکل حرف می‌آید؛ زیرا



جزو کلمه است و نباید از آن جدا باشد. از این رو باید بنویسیم: یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه.

♦ عددهای یک رقمی

عددهای یک رقمی ۹ و ۶ و ۲ و دورقمی ۱۰ در تیترو لید و متن خبر و گزارش و... به شکل حسابی (رقم) نوشته می‌شوند تا به ترتیب با (نه، پاسخ منفی)، (شش، عضوی از بدن)، دو از مصدر دویدن و ده یا روستا اشتباه نشوند.

نمونه درست: رانش زمین در روستای علی‌آباد فیروزکوه ۹ مجروح بر جا گذاشت.

استناها

- اگر اعداد بخشی از یک واژه باشند با حروف نوشته می‌شوند. مثال: دوشنبه، دوجین، دورقمی، دوقلو، هشت‌پا، دوباره، دوجانبه، دو طرف، حساب دو دو تا چهارتاست، آدم دوبه‌هم‌زن، روستای شش‌پر سپیدان فارس، دوشغله، دوبعدی، ده‌ها.
- جدول‌های آماری، نتایج مسابقات ورزشی، طول و عرض جغرافیایی، مواد قانون، شماره تلفن، شماره خودرو، صفحه‌های کتاب، شماره شناسنامه، ساعت‌های روز، شماره (پلاک) خانه و واحد مسکونی، درجه حرارت، قد و وزن را باید به شکل حسابی با رقم نوشت.

♦ عددهای دو رقمی و سه رقمی

عددهای دو رقمی و سه رقمی را به شکل حسابی با



رقم می نویسند. نمونه‌ها:

- ۳۱ درصد مردم ایران ورزش نمی کنند.
- ۱۲ درصد جمعیت کشور به دیابت مبتلا است.
- ۱۷ تن در تصادف جاده هراز زخمی شدند.
- بنیاد مسکن ۷۵۰ واحد مسکونی را در کرج به متقاضیان واگذار کرد. از آغاز سال جاری تاکنون ۸۵۰ تن کالا صادر شده است.
- در گردهمایی (تجمع) مقابل دانشگاه ۱۰۰ دانشجو حضور داشتند.

◆ عددهای بالاتر از سه رقم

اعداد بالاتر از سه رقم را به شکل ترکیبی از ارقام و حروف می نویسند. نمونه‌ها:

- یک میلیون و ۲۵۷ هزار و ۴۳۶
- چهار میلیون و ۵۲۲ هزار و ۱۷۳
- ۱۲ میلیون و ۴۸۰ هزار و ۹۷۰
- ۱۸۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال
- هزار و ۷۵ فرد مسلح و خانواده‌های آنان پنجشنبه گذشته تا صبح جمعه طی ۱۰ مرحله به غرب حلب منتقل شدند.
- بیش از هزار ایرانی مسابقه فوتسال میان تیم‌های ایران و ژاپن را تماشا کردند.
- کنگره آمریکا لایحه ۶۱۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری سال ۲۰۱۷ میلادی را تصویب کرد.
- آماده‌باش ۹۱ هزار پلیس فرانسه برای تأمین امنیت جشن‌های سال نو مسیحی.
- دولت عربستان ۳۰ میلیارد دلار وام می گیرد.



بنویسیم	نویسیم
در عراق ۲ هزار و ۸۰۰ تن به کام مرگ رفتند.	در عراق ۲/۸ هزار تن به کام مرگ رفتند.
بر مبنای توافق نامه ژنو، ایران ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار طلب خود را دریافت کرد.	بر مبنای توافق ژنو، ایران ۴/۲ میلیارد طلب خود را دریافت کرد.
هزار و ۱۱۰ نفر در زمین لرزه اسپانیا کشته شدند.	۱۱۰ نفر در زمین لرزه اسپانیا کشته شدند.
صد هزار و ۲۰۰ رومانیایی در جنگ اول جهانی جان باختند.	۱۰۰۲۰۰ رومانیایی در جنگ اول جهانی جان باختند.
هشت میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال	۸/۳ میلیارد ریال

عدد ۱۰۰ هزار را باید به شکل ترکیبی (ترکیب عدد و حرف) نوشت زیرا استفاده از صفرهای زیاد، متن را نامناسب می کند و خواننده را به اشتباه می اندازد.

♦ درصد و عددهای کسری و اعشاری

درصدها به صورت ترکیبی از عدد و حروف نوشته می شوند. مثال: ۲ درصد، ۵۶ درصد، ۹ و پنج دهم درصد، هفت و ۲ دهم درصد و ...
همچنین «درصد» را بهتر است با حرف و نه علامت درصد (/) به کار ببریم.

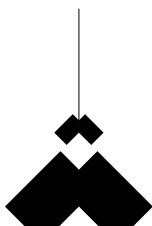


نمونه: ۹۳ درصد جمعیت ایران شیعه دوازدهامامی هستند. ۵۷.۵ درصد بدن ما آب است.
 اعداد کسری و اعشاری را به حروف و با نیم فاصله می نویسند. نمونه: سه پنجم، یک سوم، هفت و سه دهم
 و...

♦ اعداد ترتیبی

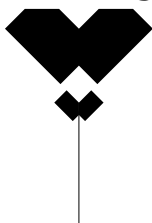
اعداد ترتیبی با حروف نوشته می شوند:
 فصل یکم (اول)، کلاس پنجم، رتبه پانزدهم، هفتم
 تیر، سیزدهم آبان، بیست و یکمین روز.





فصل چهارم

اصلاح اشتباهات رایج





در این فصل تلاش شده است اشتباهات رایجی که در خبرنگاری و گزارشگری متنی اتفاق افتاده اصلاح شود و نمونه‌هایی نیز برای آن‌ها بیاید.

در خبرنگاری، بنا به عادت گاهی از واژه‌هایی استفاده می‌کنیم که در زبان فارسی ریشه ندارند یا این که اساساً اشتباه هستند. در ادامه تلاش شده است برخی از کلمات و عبارات اشتباه اشاره شود و نمونه‌های صحیح نیز درباره هر یک بیاید.

◆ تا حد امکان از واژه «عدم» برای منفی کردن اسم مصدرها یا مصدرهای عربی استفاده نشود.

◆ در نوشته‌های روزمره گاهی از کلمات یا حروفی استفاده می‌شود که حشو و زاید هستند و می‌توان در نگارش برای رسانه آن‌ها را حذف کرد.

بنویسیم	نویسیم
خلیج فارس	خلیج همیشه فارس
گورجمعی	گور دسته‌جمعی
هشدار به	هشدار نسبت به
همدردی کرد	ابراز همدردی کرد
تهدید شده‌اند	با ارباب روبه‌رو شده‌اند
رزمایش	رزمایش نظامی
آزاد می‌شود	آزادسازی می‌شود
اجرا کردند	به مرحله اجرا درآوردند



★ خبرنگار بهتر است در متون روزمره از نوشتن عبارتهای عربی یا لاتین که معادل فارسی دارند پرهیز کند.

بنویسیم	ننویسیم
رسمی	رسماً
کوتاهی	قصور
از کار ممنوع شدن	ممنوع الکار شدن
درمان	علاج
رویاری	مقابله
پیشنهادها، نظرها	پیشنهادات
گزارشها	گزارشات
بلیت	بلیط
به همراه	در معیت
افرادی که سخنرانی آنان ممنوع شده است	افراد ممنوع سخنرانی
زندانی	محبوس
مانند گذشته	کما فی السابق
تحت الشعاع	تحت شعاع
دولتها	دول
برنامه مدوّن	برنامه مدون شده
بنابراین	معهدا



سابق‌الذکر	مورد اشاره
------------	------------

بنویسیم	نویسیم
گرین کارت	کارت سبز
ولیعهد معزول	ولیعهد معزول شده
انستیتو / مؤسسه	انستیتو / انستیتو
رزمایش	رزمایش نظامی
دسته بندی	تیپولوژی
مسابقه	تورنمنت

♦ گاهی خبرنگار بنا به عادت روزانه یک کلمه را اشتباه می نویسد که باید در نوشتن دقت داشته باشد تا اشتباهات خود را به خبر وارد نکند.

♦ خبرنگار به این دلیل که با خوانندگان عادی نیز سر و کار و تولیداتش را مخاطبان کوچک و بازار می خوانند باید از به کار بردن واژگان و عبارتهای سخت و ثقیل پرهیز کند. باید توجه داشت پیچیده ترین مفاهیم را هم می توان با نثری ساده به خواننده منتقل کرد.

بنویسیم	نویسیم
اقدام های بی ثبات کننده	اقدامات بی ثبات ساز
فناوری	فن آوری
رییس جمهوری	رئیس جمهور
خدا حافظی	خدا فظی



بنویسیم	نویسیم
علاقه مند / علاقه مندی	علاق، علاقمند، علاقمندی
عَل و عَش	قَل و عَش، قَل و قَش
عُلُل	قُلُل
عُلُّه	قُلُّه
باتون	باتوم
توجه	امعان نظر
تبعات	طبقات
انگلیس (نام کشوری به پایتختی شهر لندن)	انگلستان (شامل انگلیس، ولز، ایرلند شمالی و اسکاتلند)
آزادی‌های مشروع	آزادی‌های مشروح
پایبند نبودن	عدم پایبندی
ناتوانی	عدم توانایی
ممکن نشدن یا ممکن نبودن	عدم امکان
نبود / فقدان	عدم وجود
علیه / ضد	برعلیه / برضد
کاربر	یوزر
تظاهرکنندگان	تظاهرات کنندگان



بنویسیم	نویسیم
قتل عام	قتل و عام
زادبوم	زاد و بوم
دیده بان	دیدبان
هوایمای مسافربری	هوایمای مسافری
آزاد می شود	آزادسازی می شود

♦ **خلیج (فارس):** فقط در نقل قول‌های مستقیم به نقل از یک شخص حقیقی یا حقوقی عربی یا یک رسانهٔ عرب‌زبان که «خلیج فارس» را قبول ندارد باید در خبرهای مطبوعاتی و ویژه ایرنا کلمه «فارس» را در میان پرانتز قرار دهیم.

♦ **شط العرب (اروندروود):** فقط در نقل قول‌های مستقیم به نقل از یک شخص حقیقی یا حقوقی عربی یا یک رسانهٔ عرب‌زبان که به جای اروندروود از «شط العرب» استفاده می‌کند باید در خبرهای مطبوعاتی و ویژه ایرنا کلمه «اروندروود» را در میان پرانتز قرار دهیم.

♦ **به جای الله در خبرها ... نیاید.** در همهٔ موارد الله باشد؛ بنابراین اله هم نباید به جای الله نوشته شود. به طور مثال خلیفه‌اله غلط است و باید نوشت: خلیفه‌الله. مشتق‌های این کلمه هم به صورت خلیفه الهی غلط است و خلیفه‌اللهی درست است.



بنویسیم	نویسیم
بنیان گذار انقلاب اسلامی	بنیانگزار انقلاب اسلامی
ورای	فرای
خاستگاه	خواستگاه
ضرب الاجل	ضرب العجل
واژگونی اتوبوس	سرنگونی اتوبوس
استفاده شد / استفاده کردند	مورد استفاده قرار گرفت یا ... قرار دادند
بررسی شد / بررسی کردند	مورد بررسی قرار گرفت یا ... قرار دادند
تجدید نظر کردند یا شد	مورد تجدید نظر قرار گرفت یا ... قرار دادند
تأکید شد یا تأکید کردند	مورد تأکید قرار گرفت یا ... قرار دادند.

♦ همزه ساکن آخر واژه‌های معدود عربی که نمونه‌هایی از آن را پایین‌تر آورده‌ایم در تلفظ فارسی‌زبانان حذف می‌شود. این گونه کلمه‌ها، وقتی که مضاف یا موصوف واقع شوند، قاعده اسم‌های مختوم به «الف» در فارسی در مورد آن‌ها جاری و همزه به ی تبدیل می‌شود. پس:

بنویسیم	نویسیم
اهدای جوایز	اهدا جوایز
ایفای نقش	ایفا نقش
ارضای غریزه	ارضاء غریزه



بنویسیم	نویسیم
امحای سلاح شیمیایی	امحا سلاح شیمیایی
ارتقای مهارت‌های انسانی / ارتقای اعضای هیئت علمی	ارتقا مهارت‌های انسانی
سوء ظن	سو ظن
سوء تفاهم	سو تفاهم
سوء سابقه	سو سابقه
سوء استفاده	سو استفاده
اثرات سوء	اثرات سو

بنویسیم	نویسیم
شکرگذار	شکرگزار
خدمتگذار دولت خدمتگزار	خدمتگذار
کج‌دار و مریز	کج‌دار و مریض
فاضلاب	آب فاضلاب
نزدیک	در نزدیکی
تحت الشعاع	تحت شعاع
در هر شرایطی / در شرایطی ...	تحت هر شرایطی
موتورسوار	راکب موتور
جذاب‌ترین	مجذوب‌ترین (مجذوب یعنی شیفته و فریفته)



مرده شور	مرده شوی
----------	----------

بنویسیم	ننویسیم
خسارت‌های اقتصادی	تلفات اقتصادی
همایش برگزار می‌شود	همایش اجرا می‌شود
در	درب
پهپاد	پهباد
موتور برق	ژنراتور برق
دموکراسی	دمکراسی
بر سکو ایستادند	بر سکو تکیه زدند
مراسم، رسوم، نذرها، انتخابات	مراسم‌ها، رسومات، نذورات، انتخابات‌ها
پروفسور	پرفسور
بیماری‌های مُسری	بیماری‌های ساری
واکنش جهانی به درگذشت ...	واکنش جهانی به خبر درگذشت ...
اوراسیا	اورآسیا
تیرک دروازه	دیرک دروازه

♦ کاربرد واژه «از سوی» که از آن در بسیاری از خبرهای ایرنا استفاده و تکرار می‌شود، دقیق و درست نیست.

♦ به جای تکرار «از سوی» جمله را با فعل معلوم بنویسیم:



بنویسیم	نویسیم
دولت هلند می گوید در نظر دارد نگذارد زنان برقع بپوشند.	هلند می گوید در نظر دارد پوشیدن برقع از سوی برخی زنان در این کشور را ممنوع کند.
نیروی دریایی ارتش یک کشتی تجاری ایران را که دزدان دریایی در خلیج عدن به آن حمله کرده بودند، نجات داد.	یک کشتی تجاری ایرانی که در خلیج عدن مورد حمله دزدان دریایی قرار گرفته بود در جریان عملیاتی از سوی ناوهای دریایی ارتش ایران نجات یافت.
مأموران امنیتی او را بازداشت کردند.	او از سوی مأموران امنیتی دستگیر شد.

بنویسیم	نویسیم
فرقه‌ها	فرق
کوله‌بار	کول‌بار، کولبار
کوله‌بر، کوله‌بری	کولبر، کولبار
بوروکراسی دیوان‌سالاری	بورکراسی
بارش برف و باران	بارش نزولات جوی
شعبه‌ها	شعبات
دانشنامه، دائرةالمعارف	دائرة المعارف
تعیین تکلیف	تعیین و تکلیف



در ادامه چند عبارت «حشو» غلط و و اصلاح آن را مرور می‌کنیم:

بنویسیم	ننویسیم
اتحادیهٔ عرب برای تحریم سوریه در قاهره نشست تشکیل داد.	اتحادیهٔ عرب برای اعمال تحریم سوریه در قاهره تشکیل جلسه داد.
دولت پاکستان شایعه کناره‌گیری نواز شریف را رد کرد.	دولت پاکستان شایعات مطرح‌شده در رسانه‌ها در مورد کناره‌گیری نواز شریف را رد کرده است.
به اتهام توهین به رئیس‌جمهوری به ۲ سال زندان محکوم شد.	به اتهام توهین به رئیس‌جمهور به تحمل دو سال حبس محکوم شد.
طالبان سه مرد و ۲ زن را کشتند چون می‌گفتند ریختن خونشان حلال بوده است.	طالبان با ادعای مهدورالدم بودن مقتولان سه مرد و دو زن را به قتل رساندند.

♦ «خواستگاه» به معنای درخواست، مطالبه و خواستن است و در خبر و گزارش کمتر استفاده می‌شود.
 «خاستگاه» به معنای به‌معنای منشأ، ریشه، ذات است. نمونه: افزایش سفر گردشگران داخلی و خارجی به شیراز و سبزوار که خاستگاه بسیاری از اندیشمندان ایرانی اند مایهٔ مباهات است.
 ♦ مناسبات، مناسبت‌ها:

به‌لحاظ معنا با هم متفاوت‌اند و نمی‌توان یکی را



به جای دیگری نوشت.

بنویسیم	نویسیم
هشتگ	هشتک
اسلحه / سلاح‌ها	اسلحه‌ها
صبغه تاریخی	سبغه تاریخی
آزاد می شود	آزادسازی می شود
حدود و صغور	حدود و ثغور

♦ به جای «غیرقابل» می توان عوامل منفی ساز فارسی و به جای «قابل» برابری های فارسی مناسب به کار برد.

بنویسیم	نویسیم
قبول نشدنی	غیرقابل قبول
اجراشدنی	قابل اجرا
انکارناپذیر	غیرقابل انکار
اجتناب ناپذیر	غیرقابل اجتناب

♦ واژه های هم صدا

در تنظیم خبر، نگارش مقاله، تفسیر و گزارش و تحلیل باید به تفاوت معنایی واژه هایی که به لحاظ شکلی شبیه هم اند (مشترک لفظی اند) دقت و توجه شود. در این قسمت شماری از این واژه ها را می آوریم:

♦ گزاردن، گذاردن، گذاشتن

دو پسوند «گزار» از مصدر «گزاردن» به معنی



«ادا کردن» و «به‌جا آوردن امری» و «گذار» از مصدر «گذاردن» و «گذاشتن» به‌معنی «نهادن»، «چیزی را در جایی قرار دادن» و «ایجاد کردن» وقتی به‌عنوان پسوند در واژگان ترکیبی قرار می‌گیرند، معانی متفاوتی را افاده می‌کنند و به هیچ وجه نمی‌شود هرکدام را به‌جای دیگری استفاده کرد.

به‌عنوان مثال، املاي واژگان ترکیبی «نمازگزار» به‌معنی «به‌جا آورنده» یا «اقامه‌کننده نماز»، «سپاسگزار» یا «شکرگزار» به‌معنای «به‌جا آورنده سپاس و تشکر»، «خدمتگزار» به‌معنی «به‌جا آورنده و ارائه‌دهنده خدمت»، «خوابگزار» به‌معنی «تعبیرکننده خواب»، همچنین املاي واژگان ترکیبی «بنیان‌گذار» به‌معنی «کسی که چیزی را بنا می‌نهد»، «فروگذار» به‌معنی «کوتاهی» یا «قصور در امری»، «مین‌گذار» به‌معنی نصب یا کاشت مین در زمین» یا «ریختن مین در دریا» فقط به همین صورتی که ارائه شد، صحیح است و در زبان فارسی شکل دیگری از این واژگان ترکیبی وجود ندارد.

اما در مورد واژگان «هدف» و «سیاست» هر دو پسوند «گزار» و «گذار» متناسب با معنی مورد نظر می‌تواند صحیح باشد، چون هرکدام معنای متفاوتی را افاده می‌کنند؛ یعنی «هدف‌گذار» به‌معنی «کسی که هدفی را تعیین یا تدوین می‌کند» و «هدف‌گزار» به‌معنی «کسی است که برای دستیابی به هدف تلاش می‌کند».

به‌عنوان مثال، اگر سازمان هوافضای جمهوری اسلامی ایران قصد داشته باشد تا سال ۱۴۰۰ انسان به فضا اعزام کند می‌توان نوشت: «سازمان هوافضای جمهوری اسلامی ایران، اعزام انسان به فضا تا سال



۱۴۰۰ را برای خود هدف‌گذاری کرده است» و در معرفی کسانی که در سازمان هوافضا برای دستیابی به این هدف کار می‌کنند می‌توان نوشت: «هدف‌گزاران سازمان هوافضای جمهوری اسلامی ایران همه تلاش خود را برای اعزام انسان به فضا تا سال ۱۴۰۰ به کار گرفته‌اند.»

همین منطق در مورد «سیاست‌گذار» به معنی «کسی که سیاست را تعیین و تدوین می‌کند» و «سیاست‌گزار» به معنی «کسی که سیاست تعیین و تدوین شده را اجرا می‌کند» صادق است.

♦ فراقت، فراغت

«فراقت» به معنای دور بودن و جدایی است، اما «فراغت» به معنای خلأ یا راحتی یا بیکاری است مانند: اوقات فراغت.

♦ خاست، خواست

«خاست» یعنی بلند شد و قیام کرد؛ مانند برخاست یا پیا خاست «خاستگاه» یعنی منشأ و ریشه و زادگاه اما «خواست» یعنی طلب کرد یا طلبید.

♦ حیات، حیاط

«حیات» یعنی زندگی و «حیاط» یعنی محل و منزل و فضا؛ بنابراین حیات و وحش درست است نه حیاط و وحش و حیاط خلوت درست است نه حیات خلوت.

♦ آج، عاج

«آج» واژه‌ای فارسی است به معنای برجستگی‌های



منظم بر سطح یک شیء مثل سطح سوهان، آج لاستیک، کفش آج‌دار. «عاج» کلمه‌ای عربی است به معنای ماده ظریف و سختی به رنگ سفید شیری که بدنه اصلی دندان‌های فیل و بعضی دیگر از جانوران را تشکیل می‌دهد. عاج فیل، ساحل عاج.

◆ آسیا، آسیاب

«آسیا» و «آسیاب» هر دو به یک معناست و بزرگان ادب فارسی آن‌ها را به یکسان به کار برده‌اند.

◆ آستان، آستانه

«آستان» و «آستانه» دو واژه همگون و دارای ارزش یکسان است.

◆ ابزار، افزار

این دو واژه همگون‌اند و می‌توانند جانشین یکدیگر شوند. مگر در اصطلاحات جافتاده مثل نوشت افزار، نرم‌افزار. فقط در ترکیب ابزارفروشی همیشه ابزار به کار می‌رود.

◆ اتباع، اتباع، اتباع

«اتباع» (atba) جمع تبع (taba) به معنای پیروان است در فارسی آن را جمع تابع و تبعه می‌دانند. «اتباع» (etba) به معنای پیروی کردن است. «اتباع» (etteba) نیز به معنای پیروی کردن است. واژه «لازم‌الاتباع»؛ یعنی کاری که پیروی از آن لازم است.

◆ اثاث، اساس

«اثاث» به معنای لوازم خانه است؛ بنابراین اسباب و



اثاث صحیح است و کلمه «اثاثیه» در فارسی فصیح درست نیست. «اساس» به معنای پی، پایه و بنیاد است.

♦ احسنت، احسن

«احسنت» به معنای نیکو گفتی، نیکو کردی و در اصطلاح به معنای «آفرین» است. «احسن» صفت تفصیلی به معنای نیکوتر و زیباتر است.

♦ خُرد، خورد

«خُرد» یعنی کوچک و ریز و اسم است مانند خُردسال و پول خُرد، اما «خورد» فعل است؛ یعنی بلعید یا تناول کرد یا نوشید. مانند: آب خورد.

♦ اَحیا، اِحیا

«اَحیا» (ahya) جمع حی به معنای زنده است. «اِحیا» (ehya) به معنای زنده کردن، آباد کردن و نیز شب‌زنده‌داری و به عبادت گذراندن است. شب‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان را که به شب‌زنده‌داری و عبادت می‌گذرد شب‌های احیای می‌گویند.

♦ ارابه - عربابه

این دو کلمه به معنای گردونه و گاری است و هر دو املا صحیح است. نباید آن‌ها را با «عراده» (واحد شمارش توپ) اشتباه کرد.

♦ ارک، ارگ

این دو کلمه به معنای قلعه کوچکی که در داخل قلعه بزرگی ساخته شود. املاي آن هم با «ک» و هم با «گ» صحیح است.



◆ استعفا کردن، استعفا دادن

کلمه «استعفا» با فعل «کردن» استفاده می‌شود و استعفادادن صحیح نیست.

◆ استعفا، استیفا

«استعفا» درخواست کناره گرفتن از کار است، اما «استیفا» به معنای باز پس گرفتن به‌تمامی با درخواست باز پس گرفتن مال یا حق است. مثال: کارگران برای استیفای حقوق خود اعتصاب کردند.

◆ سلاح، اسلحه

«سلاح» مفرد است و جمع آن «اسلحه»، از این‌رو جمله او از اسلحه خود استفاده کرد اشتباه است. گاهی دیده می‌شود که اسلحه را نیز جمع می‌بندند که جمع‌الجمع می‌شود و درست نیست، بهتر است که برای جمع سلاح از «سلاح‌ها» استفاده شود.

◆ اسیر، اثیر، عصیر

«اسیر» یعنی گرفتار، دربند، یا بند. «اثیر» در معتقدات قدما طبقه‌ای از آسمان در بالای جو زمین، متشکل از عنصری رقیق و بی‌وزن و آتشگون است. «عصیر» عبارت از عصاره، شیرۀ هر چیز و در اصطلاح به شیرۀ انگور اطلاق می‌شود.

◆ اشعار، اشعار

«اشعار» (ashar) جمع شعر است. «اشعار» (eshar) به معنای اطلاع‌دادن است و ترکیب فعلی آن اشعار داشتن است.



◆ اعطا، عطا

«اعطا» (eta) و «عطا» (ata) هر دو به یک معنی است؛ یعنی بخشش کردن و بخشش، می توان آن ها را به جای یکدیگر به کار برد.

◆ اعلام، اعلان

«اعلام» (elam) به معنای آگاه کردن و خبردادن است مصدر آن، «اعلام کردن». «اعلان» (elan) به معنای علنی کردن، آشکار ساختن، فاش ساختن است و با فعل «کردن» استفاده می شود. اعلام جنگ و اعلان جنگ هر دو درست است، جز اینکه اعلام جنگ به معنای اطلاع دادن جنگ است و اعلان جنگ به معنای آشکار شدن حالت جنگ است.

◆ الغا، القا

«الغا» به معنای لغو کردن و باطل کردن است، مثل الغای بردگی، الغای حکومت نظامی. «القا» به معنای تلقین کردن، آموختن، در ذهن کسی وارد کردن است و بیشتر در ترکیب القای شبهه؛ یعنی ایجاد شک در ذهن کسی به کار می رود. «القا» را گاهی به صورت الغای شبهه می نویسند که درست بر معنای متضاد آن دلالت می کند.

◆ انتصاب، انتصاب

«انتصاب» به معنای نسبت داشتن و مرتبط بودن است. «انتصاب» به معنای گماشتن و نصب کردن است. مثال: انتصاب او به ریاست اداره موجب اعتراض کارمندان شد.



◆ انجام، انجام کار

«انجام»، واژه فارسی به معنای پایان است: آنچه آغاز ندارد نپذیرد انجام (حافظ). تاکنون واژه‌های زیادی مانند: به انجام رساندن، به انجام رسیدن، انجام دادن، انجام گرفتن، انجام یافتن، انجام شدن، انجام پذیرفتن ساخته شده است. چون «انجام» یعنی پایان، پس جمله‌ای مانند: انجام این کار دشوار است درست نیست. یا انجام وظیفه نادرست است، باید گفت انجام دادن وظیفه.

◆ انعام، انعام

«انعام» (anam) جمع نعم (naam) به معنای چارپایان است. «انعام» (enam) به معنای بخشش است. امروزه برخی فارسی‌زبانان این کلمه را به صورت (anam) به کار می‌برند که درست نیست.

◆ این جانب، این جانبه

«این جانب» ترکیبی از «این» فارسی و «جانب» عربی است. ترکیب آن مصطلح فارسی‌زبانان است؛ بنابراین ترکیب «این جانبه» نادرست است و زن و مرد هر دو می‌توانند «این جانب» بگویند.

◆ کمین، کمینه

دو واژه «کمین» و «کمینه» همگون و به معنای کمترین است. ترکیب «این کمینه» هر چند که مصطلح زنان است مختص به ایشان نیست، چون «ه» کمینه «های» تأیید نیست؛ بنابراین «این کمینه» را در مورد زن و مرد هر دو می‌توان استفاده کرد.



♦ بازده، بازدهی

«بازده» از واژه‌های فرهنگستان است که به معنای محصول مفید است. در بعضی از نوشته‌ها برای بیان همین معنا «بازدهی» را به کار می‌برند که درست نیست و بهتر است که به جای آن «بازده» گفته شود.

♦ بسمه تعالی، بسمه تعالی

علما و بزرگان املای این ترکیب را به صورت «بسمه تعالی» درست می‌دانند، در حالی که اغلب به صورت «بسمه تعالی» می‌نویسند. بسمه تعالی عربی است. بهتر است «به نام خدا» یا «به نام خداوند» نوشته شود.

♦ بالطبع - به تبع

این دو کلمه قید مرکب‌اند که در تلفظ و معنا با یکدیگر تفاوت دارند. «بالطبع» (bettab) یعنی طبعاً، از روی طبع؛ اما «به تبع» یعنی در نتیجه. در نوشته‌ها، برخی این دو ترکیب را به جای هم به کار می‌برند که صحیح نیست.

♦ بخشودن، بخشیدن

این دو کلمه هم از نظر دستوری و هم از نظر معنایی با هم تفاوت دارند. «بخشودن» به معنای عفو کردن، رحم کردن است، اما «بخشیدن» به معنای دادن نعمت یا انعام است. این دو کلمه از قدیم تا امروز به جای هم به کار رفته‌اند.



♦ بدوی، بدوی

«بدوی» (badvi) به معنای آغازی و ابتدایی است و بیشتر در دادگستری به کار می‌رود مثل دادگاه بدوی. «بدوی» (badavi) به معنای بیابانی، بیابان‌گرد، صحرانشین است و بیشتر در وصف قبایل چادرنشین عربستان و شمال آفریقا به کار می‌رود.

♦ تهدید، تحدید

این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. «تهدید» به معنای ترساندن است؛ اما «تحدید» یعنی حد و مرز جایی را مشخص کردن و بیشتر در اصطلاح تحدید حدود به کار می‌رود؛ یعنی تعیین کردن مرزهای سرزمینی.

♦ ثواب، صواب

«ثواب» به معنای پاداش است به خصوص پاداشی که در آخرت به عوض کارهای نیک این جهان داده می‌شود؛ اما «صواب» به معنای درست، صحیح، بجا، مناسب است. این کلمه گاهی به معنای کار درست و سخن درست نیز به کار می‌رود.

♦ جارو، جاروب

این دو کلمه همگون‌اند و در جمله ارزش یکسان دارند و در مقام صفت می‌توانند جانشین یکدیگر شوند.

♦ جاودان، جاودانه، جاودانی، جاوید، جاویدان

این پنج کلمه همگون‌اند و در جمله ارزش یکسان دارند و در مقام صفت می‌توانند جانشین یکدیگر شوند.



♦ سفیر، صفیر

«سفیر» به معنای پیام‌آور از جانب کسی نزد کسی یا نماینده سیاسی کشوری در کشور دیگر است، اما «صفیر» صدای سوتی است که معمولاً با گرد کردن لب‌ها برمی‌آید. گاهی به آواز پرندگان و بعضی دیگر از جانوران اطلاق می‌شود. عبارت «صفیر گلوله» که برخی اوقات به کار می‌رود به نظر می‌رسد منظور صدای سوتی باشد که گلوله هنگام شلیک در مسیر ایجاد می‌کند.

♦ سهل ممتنع، سهل و ممتنع

یعنی خصوصیت شعر یا نثری که به نظر ساده آید ولی گفتن نظیر آن بسیار دشوار آید. این ترکیب بدون «و» عطف صحیح است. پس «سهل و ممتنع» درست نیست.

♦ شاغول، شاقول

این واژه فارسی است و املائی درست آن «شاغول» است و نوشتن به صورت «شاقول» صحیح نیست.

♦ ضرب الاجل، ضرب العجل

«اجل» به معنای زمان معین و «ضرب الاجل» به معنای تعیین زمان معین برای اجرای کاری است. امروزه در فارسی این ترکیب را به معنای پایان زمان معین یا سررسید یا فرصت و مهلت به کار می‌برند. دیکته این کلمه به صورت «ضرب العجل» درست نیست.



◆ غدغن، قدغن، غدقن

«غدغن» کلمه ترکی است ولی بهتر است که به صورت قدغن نوشته شود.

◆ غداره، قداره

«غداره» به معنای حربۀ پهن و سنگین و شمشیر مانند است. این کلمه در اصل هندی است نه عربی ولی بهتر است با حرف «غ» نوشته شود.

◆ غربال، غریبل

«غربال» معرب «گربال» است. وسیله‌ای برای بیختن آرد و دیگر چیزها. بعضی «غریبل» را عامیانه می‌دانند ولی هر دو کلمه در متون معتبر فارسی با ارزش یکسان به کار رفته است.

◆ غلتیدن، غلطیدن

«غلتیدن» واژه فارسی است و به همین صورت باید نوشته شود و نه با حرف «ط»؛ بنابراین مشتقات این کلمه به صورت زیر است: غلت، غلتان، غلتیده، غلتاندن، غلت‌زدن، غلت‌خوردن، غلتک.

◆ غلیان، قلیان

«قلیان» وسیله‌ای برای مصرف تنباکوست. گاهی به صورت «غلیان» نوشته می‌شود که درست نیست.

◆ غنا - غنا

«غنا» (Ghana) به معنای توانگری است، اما «غنا»



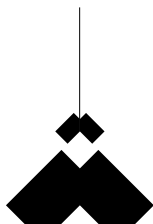
(ghena) به معنای آواز خوش است.

◆ غیظ، غیض

«غیظ» به معنای خشم شدید است. ترکیب «کظم غیظ» به معنای فروخوردن خشم است. بعضی این کلمه را به صورت «غیض» می‌نویسند که کلمه‌ای است عربی و در فارسی کاربردی ندارد و در عربی به معنای کاهش آب و نیز به معنای اندک است.

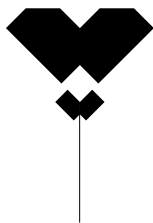
◆ غیبت، غیبت

«غیبت» بر وزن کیفر به معنای غایب شدن با غایب بودن است، اما «غیبت» بر وزن زینت به معنای بد گفتن پشت سر کسی است.



فصل ششم

مسائل حقوقی





مقدمه

گردش اطلاعات و به‌عبارت دقیق‌تر، گردش آزاد اطلاعات از جمله مباحث جالش‌برانگیز جوامع امروزی دنیاست. ارتقای بی‌سابقه فناوری رسانه‌ای و بالطبع توسعه و گسترش دامنه فعالیت رسانه‌ها، مباحث متعدد و متنوعی را در حوزه‌های مختلف گردش آزاد اطلاعات پیش کشیده است.

در این فصل تلاش شده بر اساس قواعد اصلی نظام حقوق اساسی ایران، اقتضائات و الزامات ناشی از موضوع اطلاع‌رسانی و ویژگی‌های خاص سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، به‌عنوان یک خبرگزاری دولتی، معیارهای اصلی مسئولیت حرفه‌ای خبرنگاران ایرنا ارائه شود تا بر اساس آن‌ها خبرنگار و سازمان متبوعه بتوانند وظایف حرفه‌ای و سازمانی خود را با حفظ و رعایت حقوق دیگر اشخاص و حقوق جامعه به‌نحو ایمن و مطلوبی به انجام رسانند. بنابراین ابتدا مبانی و اصول حق گردش آزاد اطلاعات در قانون اساسی به‌عنوان مبنای اصلی فعالیت یک خبرگزاری بررسی می‌شود، سپس بر اساس تحلیل ویژگی‌های سازمانی و حرفه‌ای خبرگزاری، دو حق اصلی ناظر به فعالیت این سازمان یعنی حق کسب خبر و حق انتشار خبر و مستثنیات آن‌ها، تجزیه و تحلیل می‌شود. در ادامه، بر اساس یافته‌های دو بخش قبلی معیارهای مسئولیت حرفه‌ای خبرنگاران ایرنا مطرح می‌شود و در پایان، نظامی پیشنهاد می‌شود که برای ترویج و تثبیت این معیار مورد نظر است.



گردش آزاد اطلاعات

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، واژه گردش آزاد اطلاعات به کار نرفته است. همچنین از بین انواع نهادها و مؤسسات که در گردش اطلاعات نقش دارند نامی از خبرگزاری‌ها به میان نیامده است. به همین دلیل لازم است قواعد مربوط به گردش آزاد اطلاعات از خلال مفاهیم مشابه دیگر و اصول کلی قانون اساسی بررسی شوند.

موضوع گردش آزاد اطلاعات از موضوعات فرعی «آزادی بیان» است که امروزه در قبال وسایلی خاص از قبیل رادیو، تلویزیون، مطبوعات، خبرگزاری‌ها و مانند این‌ها محقق می‌شود. از میان انواع وسایل متعارف و متداول عرضه اطلاعات، از سه رسانه خاص در قانون اساسی نام برده شده است که عبارت‌اند از: مطبوعات، رادیو و تلویزیون.

به موجب اصل بیست و چهارم قانون اساسی، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام با حقوق عمومی باشد. تفضیل آن را قانون معین می‌کند».

در اصل یکصد و هفتاد و پنجم نیز آمده است «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». این اصل اگرچه ناظر به سازمان صدا و سیما است، اما از آنجا که این سازمان از طریق دو رسانه رادیو و تلویزیون فعالیت می‌کند حکم مندرج در این اصل را باید ناظر به رسانه‌های رادیو و تلویزیون نیز دانست. همچنین طبق بند دوم از اصل سوم که در مقام بیان وظایف دولت جمهوری اسلامی وضع شده است،



افزایش سطح آگاهی عمومی در همهٔ زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر از تکالیف دولت شمرده شده است.

در تحلیل حقوقی، لازم است به این نکته توجه شود وسایلی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات در اصول مذکور در بالا، طریقت دارند نه موضوعیت؛ بدین معنا که از نظر قانون اساسی، اصل بر آزادی بیان و انتشار مطلب است و صرفاً انتشار مطالب مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی از این اصل استثنا شده‌اند. وسایل استیفای این اصل جنبهٔ حصری ندارد و تصریح قانون اساسی به وسایل و رسانه‌هایی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون را باید از باب تمثیل دانست؛ بنابراین هر وسیله‌ای که عرفاً به‌عنوان وسیلهٔ بیان (به‌خصوص به‌صورت گروهی و جمعی) تلقی کرده‌اند مشمول اصل مذکور و مستثنیات آن می‌شود.

خبرگزاری‌ها، اعم از آنکه رسانه گروهی محسوب شوند یا نه، به‌عنوان یکی از همین وسایل بیانی تلقی می‌شوند. در گذشته، اطلاعاتی که خبرگزاری‌ها منتشر می‌کردند مستقیماً در اختیار مصرف‌کنندهٔ نهایی قرار نمی‌گرفت و به همین دلیل معمولاً آن‌ها را رسانه‌های گروهی محسوب نمی‌کردند، اما امروزه با توجه به فناوری جدید رایانه‌ای در پیدایش و گسترش شبکه‌های اینترنتی، که امکان دسترسی مستقیم مصرف‌کنندگان نهایی به تولیدات نوشتاری و تصویری خبرگزاری‌ها را فراهم آورده، ممکن است بتوان دست کم بخش‌هایی از فعالیت خبرگزاری‌ها را نیز در رسانه‌های گروهی وارد کرد و در نتیجه محکوم احکام حقوقی مرتبط با آن‌ها دانست.

در هر حال برای بررسی مبانی حقوق اساسی فعالیت



خبرگزاری، به‌عنوان یکی از حلقه‌های بزرگ و مهم زنجیره گردش اطلاعات، لازم است قانون اساسی بررسی و تحلیل شود.

در ادامه بحث، ابتدا موقعیت عمومی و کلی آزادی در ساخت حقوق اساسی ایران به‌اختصار تحلیل می‌شود، سپس اصل آزادی گردش اطلاعات، محدودیت‌ها و استثنای آن شمرده می‌شود. طبیعی است از خلال این بحث، مجموعه اصول بنیادینی که خبرنگاران ایرنا باید در گردش آزاد اطلاعات و انجام وظیفه حرفه‌ای لحاظ کنند، قابل استنباط خواهد بود.

موقعیت «آزادی» در قانون اساسی

اگرچه بررسی حقوقی موقعیت مفهوم «آزادی» در ساخت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستلزم تحلیلی گسترده است، اما صرفاً در چارچوب بحث حاضر، به دو اصل نهم و سوم قانون اساسی توجه شده است.

اصل نهم قانون اساسی، که ذیل عنوان اصول کلی قرار دارد، مشتمل بر اصولی است که بر تمام قانون اساسی حاکم بوده و اصول دیگر قانون اساسی باید بر اساس اصول مندرج در فصل اول (اصول کلی) تفسیر شوند. به‌موجب اصل نهم، در جمهوری اسلامی ایران آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ



استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این اصل درخشان، موقعیت خاص و ممتازی برای آزادی در ساخت حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده است که در کشور بی سابقه است.

سومین اصل قانون اساسی، وظایف دولت جمهوری اسلامی را بیان کرده است. مروری بر ۱۶ بندی که در این اصل شمرده شده، مشخص می‌کند مقصود از دولت در این اصل حاکمیت جمهوری اسلامی است، نه فقط قوه مجریه. در صدر اصل سوم آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای نیل به امور زیر به کار برد.»

بندهای ۶ و ۷ دو وظیفه را به ترتیب، زیر برشمرده‌اند: بند ۶: محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصاری؛

بند ۷: تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون بندهای ۶ و ۷ اصل سوم لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

اصول گفته شده حاکی از آن است که قانون اساسی اصل را بر آزادی گذاشته است و نبود آزادی یا تحدید آزادی جنبه استثنایی دارد که موارد آن مشتمل است بر موارد مغایرت با مبانی اسلام، اخلاق حسنه، نظم عمومی، حقوق اشخاص و مانند این‌ها که در ادامه بحث جزئیات آن را دقیق‌تر بر خواهیم شمرد.

چنان که گفته شده در بین انواع وسایل ارتباط جمعی، قانون اساسی جمهوری اسلامی به مطبوعات بیش از دیگر رسانه‌ها توجه داشته است. شاید بتوان علت اصلی این توجه را در نقش و اهمیت مطبوعات در میان دیگر



رسانه‌های گروهی دانست، ولی تأکید قانون اساسی بر مطبوعات جنبهٔ حصری نداشته و احکام اصلی آن را به وحدت ملاک می‌توان به سایر رسانه‌ها و فعالیت‌های متعارف و متداول جریان آزاد اطلاعات نیز تعمیم داد. به همین دلیل مبانی کلی مندرج در اصل بیست و چهارم قانون اساسی را می‌توان ناظر به کلیهٔ رسانه‌های گروهی دانست.

به موجب اصل بیستم و چهارم «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند که تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» این اصل، چنان‌که از سیاق آن آشکار است، از سه قسمت تشکیل شده است:

الف) بیان اصل آزادی مطبوعات و نشریات؛ (اینکه مطبوعات در بیان مطالب آزادند).

ب) بیان مستثنیات اصل آزادی مطبوعات؛ (مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد).

ج) بیان معیار اجرای اصل و به خصوص تشخیص و اجرای مستثنیات آن؛ (تفصیل آن را قانون معین می‌کند).

بنابراین آنچه در ظاهر اصل بیست و چهارم به عنوان اصل «آزادی مطبوعات» نامیده می‌شود، به عنوان اصل آزادی گردش اطلاعات نیز مطرح است.

با جمع اصول نهم، سوم و بیست و چهارم قانون اساسی و خصوصاً تفسیر اصل بیست و چهارم بر مبنای دیگر اصول یادشده و نیز قواعد کلی حقوق و منطق تفسیر از قسمت اول اصل بیست و چهارم، نتایج زیر به دست می‌آید:



۱) اصل بر آزادی مطبوعات و دیگر وسایل گردش آزاد اطلاعات است.

۲) بر اساس قاعده «اصل دلیل حیث لا دلیل» تا هنگامی که دلیلی خلاف اصل آزادی وسایل گردش آزاد اطلاعات وجود نداشته باشد، باید به اقتضای اصل عمل شود.

۳) در موارد شک، لازم است به اصل عمل شود.

۴) تعیین، تبیین و تفسیر استثنای اصل نباید به اندازه و کیفیتی توسعه و گسترش یابد که موجب تعطیل یا خدشه کلی به اصل آزادی گردش آزاد اطلاعات و مقتضیات آن شود. به عبارت دیگر در موارد تعیین استنهاها، باید بنا به قاعده قبح تخصیص اکثر از تخصیص اکثر جلوگیری کرد.

از نظر فقهی، موضوع گردش آزاد اطلاعات به صورت‌های جدید امری مستحدث است، اما می‌توان با مراجعه به برخی منابع و ادله، همسویی نظام فقهی با اصل گردش آزاد اطلاعات را بررسی کرد.

به موجب اصل اباحه، اشخاص مجاز به هر عملی هستند، مگر آنکه دلیلی بر منع آن‌ها وارد شده باشد. از آثار مهم این اصل، گستردگی دامنه افعال انسان است. از منظر فلسفی، اصل اباحه غیر از اینکه لازمه زندگی عادی بشر است، اصولاً متنی بر اندیشه آزادی ذاتی بشر در نگاه اسلامی است. انسان ذاتاً آزاد آفریده شده و آزادی وی یکی از عوامل متشکله اوست؛ بنابراین مجاز به انجام هر عملی است، مگر آنکه از آن نهی شده باشد. به دیگر سخن، اصل اباحه ریشه در این تفکر اسلامی دارد که اصل بر آزادی انسان است، مگر آنکه خلافش ثابت شود.



استثناهای اصل آزادی جریان اطلاعات

اگرچه در مجادلات اجتماعی و سیاسی روزمره در همه جوامع، مناقشات بر سر آزادی چندان است که در نگاه اول به نظر می‌رسد طرفداران آزادی گردش اطلاعات به محدودیت‌های چنین حقی اعتقادی ندارند، اما این برداشت اصولاً برداشت نادرستی است. آزادی گردش اطلاعات، همانند آزادی به مفهوم کلی در ذات و طبیعت خود محدود به حدود و قیودی است. در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی و رسانه‌ای دنیا، نمی‌توان نظامی را یافت که محدودیت‌هایی برای رسانه‌ها و مراکز خبری تعیین نکرده باشند. معمولاً مبانی اعتقادی جامعه، نظم عمومی، اخلاق حسنه و حقوق اشخاص مستثنیات حق آزادی گردش اطلاعات تلقی می‌شوند. بدین معنا که هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان آزادی گردش اطلاعات به مبانی اعتقادی جامعه، یا اخلاق حسنه، یا نظم عمومی یا حقوق اشخاص تعرض کند. در چنین مواردی، با توجه به نوع نظام حقوقی، فرد متعرض به تنبیه‌ها یا مجازات‌های معین محکوم می‌شود.

با این حال توجه به این نکته نیز ضروری است که نوع تفسیر محدودیت‌های مذکور (مبانی اعتقادی، اخلاق حسنه، نظم عمومی و حقوق اشخاص) و گستره هریک و نیز تعداد مصادیق آن‌ها در هر جامعه بنا به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی آن‌ها ممکن است متفاوت باشد. به‌عبارت دیگر در بررسی میزان ثبات و نهادینگی جریان آزاد اطلاعات در هر جامعه، نباید به بودن یا نبودن استثنای آزادی توجه کرد؛ زیرا در تمام جوامع این استثناها وجود دارند، بلکه شاخص اصلی این پرسش‌هاست:



۱) در موارد تعرض و اخلاص به استثنای آزادی گردش اطلاعات با متخلف با چه روشی برخورد می شود؟

۲) در صورت احراز تخلف چه تنبیه یا مجازاتی علیه وی اجرا می شود؟

درباره پرسش اول، هر اندازه روش رسیدگی آزادانه، علمی و متضمن امکان دفاع برای فرد باشد و خصوصاً میزان مشارکت نهادهای حرفه‌ای در فرآیند رسیدگی بیشتر باشد، جریان آزاد اطلاعات به درجه‌های مناسب‌تری از نهادینگی رسیده است.

درباره پرسش دوم، هر اندازه تنبیه‌ها از جنبه کیفری و خشونت کمتری برخوردار باشد و ضمانت‌های اجرایی از نوع الزامات حقوقی باشد نیز می‌توان گفت جریان آزاد اطلاعات در شرایط مناسب‌تری قرار دارد.

در قانون اساسی ایران، چنان‌که ملاحظه شد، دو استثنای مهم برای آزادی مطبوعات و به تبع آن آزادی گردش اطلاعات پیش‌بینی شده است که به‌طور کل با مبانی استثنای رایج در نظام‌های حقوقی دیگر مشابهت دارد. این استثنای عبارت‌انداز مبانی اسلام (که در واقع مبانی اعتقادی جامعه ایران محسوب می‌شود)؛ و حقوق عمومی (چنان‌که خواهیم دید مشتمل است بر حقوق شخصی افراد و حقوق همگانی).

احراز تحقق یا عدم تحقق اخلاص، موکول به انتشار مطلب است. بنا به ضابطه عرفی اخلاص موکول به فهم عرف از یک مطلب است. این شرط تا انتشار مطلب قابل احراز نیست؛ چراکه تا پیش از انتشار مطلب اصولاً فهم عرفی از آن مطلب شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین زمانی که مطلبی منتشر نشده و در معرض داوری عمومی قرار نگرفته است نمی‌توان به تحقق اخلاص حکم داد و آن



مطلب را از شمول احکام آزادی خارج کرد؛ البته آشکار است که چنین شرطی نافی مسئولیت حرفه‌ای خبرنگار و سازمان متبوعه در بررسی و دقت لازم برای تنظیم و انتشار خبر نیست. در هر حال، خبرنگار یا سازمانی که بدون توجه به این قبیل قواعد حرفه‌ای یا حقوقی مبادرت به انتشار مطالبی می‌کند که موجب اخلال به حقوق عمومی یا مبانی اسلام می‌شود با تنبیه‌ها یا مجازات‌هایی مواجه می‌شود که همین تنبیه‌ها جنبهٔ بازدارندگی از تکرار این نوع تخلف‌ها خواهند داشت.

بر اساس بخش سوم اصل بیست و چهارم و عموماً حقوقی، تفصیل و ترتیب اجرای اصل آزادی و استثنای آن به وسیلهٔ قوانین عادی مشخص می‌شود. کیفیت استیفای حق آزادی گردش اطلاعات و تعیین مصادیق اخلال به مبانی اسلام و اخلال به حقوق و شیوهٔ برخورد با مرتکبان آن‌ها در قوانین عادی مشخص می‌شوند.

ایرنا و گردش آزاد اطلاعات

طبق اساسنامهٔ ایرنا مهم‌ترین وظایف ایرنا به دو بخش تقسیم شده است: کسب خبر و انتشار خبر. به موجب حق کسب خبر، خبرنگار می‌تواند برای انجام وظیفهٔ حرفه‌ای خود از هر راه ممکن و قانونی برای کسب اخبار مورد نیاز اقدام کند.

در مقابل، سازمان‌ها، دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که هر یک به نوعی کانون تولید یا تراکم اخبار هستند باید شرایط مناسب و معقولی را فراهم آورند تا خبرنگار بتواند با امنیت کامل اخبار و اطلاعات لازم را کسب کند. واقعیت این است که معمولاً بسیاری از



کانون‌های تولید یا تراکم اخبار تمایل چندانی به حضور مستقل و آزاد خبرنگار ندارند؛ دست کم در جوامعی که هنوز جریان آزاد اطلاعات توسعه کافی ندارد، نمی‌توان از این واقعیت اجتماعی چشم‌پوشی کرد.

خبرنگار به‌عنوان چشمی ناظر که می‌تواند با انتشار مطلب در روند امور تأثیر بگذارد معمولاً با موانع مستقیم یا غیرمستقیمی مواجه می‌شود که در روند فعالیت حرفه‌ای تأثیر منفی می‌گذارد. معمولاً این واکنش‌ها را می‌توان امری طبیعی اما نادرست تلقی کرد. معمولاً نمی‌توان انتظار داشت که خبرنگار با مراجعه ساده و رسمی به مراکز تولید یا تراکم خبر به‌سهولت از اخبار مهم و جزئیات آن اطلاع یابد. هر اندازه ارزش خبری یک موضوع بیشتر باشد. کار حرفه‌ای خبرنگار در اطلاع از آن دشوارتر می‌شود، اما این ویژگی باعث نمی‌شود خبرنگار با اتخاذ هر نوع روش غیرقانونی یا غیراخلاقی برای کسب خبر اقدام کند. به همین دلیل حق کسب خبر استثنایی دارد و به‌موجب این استثنایها گرچه خبرنگار می‌تواند به کلیه اطلاعات دسترسی داشته باشد، ولی به اقتضای قوانین و مقررات اخلاق حرفه‌ای مجاز به دستیابی به برخی از اخبار و اطلاعات نیست.

استثنای حق کسب خبر

(۱) اسناد طبقه‌بندی شده

کسب اخبار، اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده، حریم خصوصی اشخاص، کسب خبر از طریق غیرقانونی یا غیراخلاقی از مهم‌ترین استثنای حق کسب خبر هستند. اخبار، اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده



دسترسی ناپذیرند و کسب خبر از آن‌ها مجاز نیست، مگر با اجازه مستقیم مقام‌های صلاحیت‌دار. مقصود از اخبار، اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده آن دسته از اطلاعات و اسناد هستند که به موجب قوانین و مقررات در یکی از طبقات محرمانه، به کلی محرمانه، سری یا به کلی سری طبقه‌بندی شده باشند. در این صورت لازم است:

(الف) علامت مخصوص نوع طبقه‌بندی روی سند درج شود.

(ب) جابه‌جایی سند با رعایت مقررات مربوط انجام شود. مثلاً در پاکت‌های دولایه با چسب یا مهر و موم مخصوص و مانند این‌ها جابه‌جا شوند و از مخابره آن‌ها با تلگراف، فکس و احتمالاً پست الکترونیکی خودداری شود.

(ج) سند به صورت‌های خاص همان طبقه مربوطه نگهداری شود.

رعایت نکردن هر یک از شرایط ذکر شده چنانچه باعث اطلاع نیافتن خبرنگار از طبقه‌بندی سند شود، مسئولیتی متوجه خبرنگار نخواهد کرد. غیر از این قبیل اسناد، اسنادی نیز هستند که اگرچه به ترتیب مقرر در اسناد طبقه‌بندی شده صادر و نگهداری نمی‌شوند، اما دسترسی ناپذیرند. مهم‌ترین مصداق این نوع اسناد، پرونده‌های تحقیقاتی مقدماتی درباره جرایم است که به حکم قانون دسترسی ناپذیر محسوب می‌شوند.

به‌طور کلی می‌توان گفت در مورد سازمان‌های نظامی و انتظامی (ارتش، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی) و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی (مانند وزارت اطلاعات و شورای عالی امنیت ملی) اصل بر طبقه‌بندی بودن اسناد و مدارک است، مگر خلاف آن اعلام شود؛ زیرا حوزه



عملکرد و فعالیت این قبیل دستگاه‌ها به‌طور مستقیم با امنیت ملی یا امنیت عمومی ارتباط دارد و دسترسی افراد غیرمجاز یا غیرصلاحیت‌دار به آن‌ها ممکن است امنیت کل جامعه یا کشور را به مخاطره اندازد. اما در سایر حوزه‌های کاری از قبیل امور اقتصادی، بازرگانی، سیاسی و فرهنگی اصل بر طبقه‌بندی نبودن اسناد و حتی نبود قابلیت طبقه‌بندی اسناد است، مگر آنکه خلاف آن اعلام شود.

در ایران به‌صورت گسترده‌ای رایج شده است که وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی، به‌سهولت هر سندی را طبقه‌بندی می‌کنند و بدین‌وسیله دسترسی خبرنگار به آن‌ها ناممکن می‌شود. در این قبیل موارد نیز خبرنگار حق دسترسی به این اسناد را ندارد، مگر آنکه بتواند ثابت کند طبقه‌بندی این اسناد مطابق با قانون نبوده است.

با این اوصاف چنانچه خبرنگار از طرق غیرمستقیم از مفاد اسناد کسب خبر و اطلاع کند، اشکالی ندارد. مثلاً چنانچه در مصاحبه با کسی حتی سعی در کسب خبر از مفاد اسناد طبقه‌بندی‌شده کند، به‌طور کلی از آنجا که اسناد طبقه‌بندی مفادی دارند که معمولاً از ارزش خرید بالایی برخوردارند، خبرنگار می‌تواند تلاش کند از راه‌هایی بدون مراجعه به اسناد از مفاد آن‌ها مطلع شود. گفت‌وگو با اشخاص، بررسی اوضاع و احوال و قرائن حاکم بر موضوع از این قبیل راه است. در هر حال، توسل به رفتارهای غیرقانونی یا خلاف اخلاق همچنان جایز نیست.

آیا این ویژگی ایرنا که یک خبرگزاری وابسته به دولت است در بحث حاضر، از حیث ممنوعیت دسترسی خبرنگار به اسناد طبقه‌بندی‌شده مؤثر است؟ این پرسش



از آن جهت اهمیت دارد که به صورت یک سنت کاری بخشی از اخبار و اطلاعات ایرنا صرفاً برای اطلاع بعضی مقامات محدود و معین، ارسال یا مخابره می شود.

آیا می توان چنین استدلال کرد که ارسال و مخابره خبر (به عنوان یک وظیفه حرفه ای و سازمانی به یک اقدام داوطلبانه) موجب حق دسترسی خبرنگاران ایرنا به اسناد طبقه بندی شده است؟ اگرچه این استدلال تأمل برانگیز است ولی به نظر نمی رسد برای نقض قاعده کلی عدم صلاحیت افراد غیرمجاز به اسناد طبقه بندی شده کافی باشد؛ زیرا چنان که گفته شد این اسناد نوعاً و اصولاً مرتبط با امور مهم و حیاتی اند که دسترسی افراد غیرمجاز به آنها ممکن است برای کل جامعه زیان بار باشد.

۲) حریم خصوصی

حریم خصوصی اشخاص از دیگر مستثنیات حق کسب خبر است و خبرنگار نمی تواند از آن اطلاعاتی به دست آورد. حریم خصوصی، مفهومی نسبتاً جدید است که دست کم هنوز درباره تعریف دقیقی از آن توافق عمومی نشده است و به همین دلیل تعیین مصادیق آن گاه با دشواری ممکن است. به طور خلاصه حریم خصوصی، بخشی از زندگی اشخاص است که یک فرد متعارف آن را متعلق به خود می داند و ورود به آن را برای دیگران جایز نمی داند و از آن نفع یا زیانی به طور مستقیم به دیگران وارد نمی شود. هر کس حق دارد در حریم خصوصی خود به ترتیبی که علاقه دارد رفتار کند یا بیندیشد. به عبارت دیگر، حریم خصوصی، متضمن حق زندگی مستقل بدون ملاحظه دیگران است، حوزه ای که در آن نه منفعتی کسب می شود و نه زیانی



وارد می‌شود. از آنجا که حریم خصوصی فقط مربوط به شخص است، هیچ خبرنگاری اجازه ورود مستقیم یا غیرمستقیم و کسب خبر از آن را ندارد. برخی از مصادیق بارز حریم خصوصی افراد را می‌توان به ترتیب ذیل برشمرد:

- هر محلی که فرد برای یک روز یا چند مدت یا به‌صورت دائم در آنجا زندگی کند سکوتگاه است و جزو حریم خصوصی اشخاص تلقی می‌شود و هیچ‌کس، از جمله خبرنگار، مجاز نیست به آن وارد شود و کسب خبر کند، مگر در موارد استثنایی و با اجازه مقام قضائی که سکوتگاه محل ارتکاب جرم باشد.

- برخی دفاتر و محل‌های کار نیز حریم خصوصی افرادند، اما به‌عنوان یک معیار کلی هیچ سازمان دولتی حریم خصوصی نیست. همچنین سازمان‌های غیردولتی که محل ارائه خدمات عمومی هستند حریم خصوصی نیستند؛ یعنی سازمان‌هایی در واژه غیردولتی که محل ارائه خدمات عمومی است و سازمان‌هایی که در واژه‌شناسی حقوقی سازمان‌های عمومی غیردولتی نامیده می‌شوند نیز حریم خصوصی نیستند. همچنین محل‌های کار خصوصی که به‌طور عرفی محل رجوع عامه مردم‌اند نیز حریم خصوصی تلقی نمی‌شوند، از قبیل فروشگاه‌ها، داروخانه‌ها، مطب پزشکان، دفاتر اسناد رسمی، رستوران‌ها، سینماها و مانند این‌ها. ملاک سهم در تشخیص این قبیل اماکن این است که هر فرد بدون اجازه قبلی مجاز به ورود به آنهاست و قاعدتاً نمی‌توان جلو ورود آنها را گرفت. با این حال بخش‌هایی از این نوع اماکن نیز حریم خصوصی می‌شوند. به‌عنوان مثال در



یک اداره دولتی، آن بخش از محل کار کارمند که به طور عرفی فقط خود وی مجاز به دسترسی آنهاست مانند میز کار، کتو میز، کمد و مانند اینها، حریم خصوصی وی محسوب می شوند، یا مثلاً دفتر کار مدیر رستوران و مانند اینها، اما آن دسته از دفاتر کار که به طور عرفی محل مراجعه اشخاص نیست و هر کس نمی تواند بدون اجازه قبلی به آن وارد شود و صاحب آن عرفاً مجاز به جلوگیری از ورود افراد باشد، حریم خصوصی است.

• هر نوع وسیله شخصی حریم خصوصی است. لباس و محتویات جیب، کیف، کمد، میز کار، اتومبیل و مانند اینها حریم خصوصی افرادند.

• هر عقیده، احساس و اندیشه ای که افراد دارند در زمره حریم خصوصی آنهاست و تا زمانی که خود، آنها را مطرح نکرده اند قابل تفحص، بررسی و اطلاع نیستند.

• هر کس بر تصویر و صدای خود حق دارد. تصویر و صدا نیز در زمره حریم خصوصی هستند و بدون اطلاع یا اجازه فرد نمی توان آنها را موضوع کسب خبر قرار داد. مگر در مواردی که شخص در تجمعات عمومی حاضر شده باشد مانند ورزشگاهها، همایشها، تظاهرات، پارلمان و مانند اینها. در واقع فرد با حضور خود در این قبیل مجامع، عملاً از حق خود بر تصویر و صدای خود اعراض کرده است. بنابراین باید توجه داشت خبرنگار نمی تواند مکالمات خصوصی فرد دیگری را بدون اذن صریح یا ضمنی او «ضبط یا افشا» کند؛ اعم از اینکه این مکالمه در نرم افزار پیام رسان، نامه نگاری فیزیکی، تماس تلفنی یا طرق مشابه باشد. خبرنگار باید صادقانه به طرف



مقابل خود اطلاع دهد که قصد ضبط مکالمه یا انجام مصاحبه را دارد. در این صورت، با اجازه صریح یا «ضمنی» فرد مقابل بار مسئولیت از دوش خبرنگار برداشته می‌شود.

- از دیگر مصادیق حریم خصوصی، مکاتبات و مراسلات و یادداشت‌های شخصی افراد است، اعم از آنکه این مراسلات و مکاتبات و یادداشت‌ها به صورت مکتوب باشند یا به صورت‌های جدیدتری از قبیل مطالبی که در رایانه ذخیره می‌شود یا از طریق پست الکترونیکی مخابره می‌شود یا از طریق تلفن منتقل می‌شوند.

حریم خصوصی به اعتبار موقعیت عمومی افراد، نسبی است. به این معنا که درباره کسانی که در افکار عمومی از موقعیت ممتازی برخوردارند و این موقعیت ممتاز ناشی از انتخاب رسمی یا غیررسمی جامعه است دایره حریم خصوصی متفاوت است، این افراد کسانی هستند که :

- در جامعه موقعیت برجسته و ممتازی دارند. اعم از آنکه شهرت کامل داشته باشند یا نه. به عنوان مثال یک ورزشکار در کل جامعه از موقعیت خاصی برخوردار است و معمولاً شهرت نیز دارد، اما یک نماینده مجلس اگرچه موقعیت ممتازی دارد، ولی دست کم در غیر حوزه انتخابیه ممکن است شهرت فراوانی نداشته باشد.

- موقعیت ممتاز ناشی از انتخاب رسمی یا غیررسمی جامعه است، بدین معنا که جامعه با اقبالی که نسبت به آن فرد داشته موجب شده است تا وی به چنین منزلتی دست یابد. شهرت یک ورزشکار ناشی از



اقبال عمومی است. موقعیت یک وزیر یا یک نماینده مجلس نیز ناشی از انتخاب مستقیم و غیرمستقیم عمومی است، یک خواننده یا هنرمند رشته‌های دیگر یا هنرپیشه‌ها نیز ممکن است چنین موقعیتی داشته باشند.

۳) محدودیت‌های ناشی از مالکیت معنوی

باید توجه داشت حقوق غیرمادی (معنوی) انسان‌ها نیز به مانند حقوق مادی ایشان مورد حمایت همزمان حقوق و اخلاق قرار دارد. استفاده مستقیم و بدون ذکر منبع از اثر دیگری اعم از اینکه محصول خبری، رسانه‌ای، هنری، ادبی یا حتی طرح صنعتی و ایده تجاری باشد، در محتوای تولیدشده، علاوه بر غیراخلاقی بودن ممکن است مسئولیت مدنی و کیفری سنگینی برای رسانه منتشرکننده به همراه آورد. ضمن اینکه باید توجه داشت در بسیاری از موارد به‌ویژه در اختراعات، آثار هنری، آثار ادبی و طرح‌ها و ایده‌های صنعتی، منتشرکننده را از نقض مالکیت معنوی صاحب اثر مبرا نمی‌کند چرا که ممکن است صرف انتشار بخشی یا قسمتی از یکی از موارد مذکور زیان جدی به دارنده اثر یا دارنده حق تکثیر یا تولید اثر برساند.

۴) کسب خبر از طریق غیرقانونی و غیراخلاقی

دو نوع ممنوعیت پیش گفته (اسناد طبقه‌بندی شده و حریم خصوصی) مربوط به واقعیت امورند، اما ممنوعیت اخیر کسب خبر از طرق غیرقانونی یا غیراخلاقی ناظر به روش کسب خبر است. به‌عنوان یک قاعده کلی، خبرنگار نمی‌تواند از طریق وسایل غیرقانونی یا غیراخلاقی مبادرت به کسب خبر کند.



مثلاً خبرنگار نمی‌تواند با ورود غیرمجاز به یک محل یا با سرقت اسناد و مدارک اقدام به کسب خبر کند یا با حيله و نیرنگ به فعالیت پردازد.

• روش‌های غیرقانونی

منظور از روش‌های غیرقانونی روش‌هایی است که به‌طور مستقیم موجب نقض صریح و آشکار قوانین حاکم است. رشوه‌دادن برای خبرگیری از یک مأمور دولت ممنوع است، حتی اگر آن اخبار طبقه‌بندی شده نباشند.

• روش‌های غیراخلاقی

منظور از اخلاق در اینجا آن دسته از قواعد و هنجارهای حرفه‌ای است که به صرافت طبع و قدمت استعمال مقبول عامه یا اکثریت جامعه خبرنگاری و مؤسسات مربوط است. مثلاً اینکه خبرنگار در گفت‌وگو با کسی، نه در مقام خبرنگار بلکه به‌عنوانی دیگر، اطلاعاتی از وی به‌دست آورد. همچنین سوءاستفاده از ضعف فکری یا جسمی فرد یا اقدام به تهدید با شنود برای کسب خبر از جمله روش‌های غیراخلاقی هستند. در عمل بسیار اتفاق می‌افتد که خبرنگار ناچار است برای انجام وظیفه حرفه‌ای خود از روش‌های غیرمعارف استفاده کند، زیرا بدون توسل به چنین روش‌هایی قادر به انجام وظیفه حرفه‌ای نخواهد بود و صرفاً مجبور است بر اساس اطلاعات رسمی فعالیت کند که مراکز رسمی به وی ارائه می‌دهند؛ اطلاعاتی که معمولاً ناقص و حتی نادرست‌اند. برای حل این تعارض می‌توان به ضابطه «اهمیت اجتماعی خبر» استناد کرد.

هر خبر صرف‌نظر از میزان علاقه عمومی به آن، از درجه‌ای از اهمیت در زندگی اجتماعی مردم برخوردار است. بین «علاقه عمومی» و «اهمیت اجتماعی»



لزوما رابطه‌ای وجود ندارد. ممکن است برخی اخبار بسیار مورد «علاقه عمومی» باشند (مانند خبر ازدواج دو هنرمند مشهور) ولی از «اهمیت اجتماعی» چندانی برخوردار نباشد. اخباری که از اهمیت اجتماعی برخوردارند، اخباری هستند که با زندگی اجتماعی ارتباط مستقیمی دارند و موجب ارتقا یا کاهش سطح زندگی اجتماعی در یک یا چند شاخص می‌شوند؛ مانند اخبار اختلاس در یک سازمان عمومی یا اخبار درباره تصمیم‌های مقام‌های رسمی درباره مسائل مختلف.

پیدا است که در بسیاری موارد هر اندازه اخبار از اهمیت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، احتمال دسترسی خبرنگار به جزئیات آن‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، کسب و انتشار این نوع اخبار نه فقط از حیث وظایف حرفه‌ای، بلکه از باب نفع عمومی ضروری است. در این قبیل موارد، با اندکی احتیاط می‌توان گفت خبرنگار می‌تواند فقط با مقداری از روش‌های غیرمتعارف که برای کسب خبر ضروری است وظایف حرفه‌ای خود را به انجام برساند. مشروط بر آنکه پیش از آن، تمامی روش‌های متعارف را به کار بسته باشد و به نتیجه نرسیده باشد. در استدلال حقوقی برای چنین تحلیلی می‌توان به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» استناد کرد.

این یادآوری بی‌مناسبت نیست که با ترویج بیشتر فرهنگ اطلاع‌رسانی از یک سو و حرفه‌ای‌تر شدن خبرنگاران از سوی دیگر، امکان و موارد وقوع چنین تعارضاتی که موجب توجیه رفتار غیرمتعارف باشد کاهش می‌یابد. این استثنای حق کسب خبر به شدت به عرف و توسعه گردش آزاد اطلاعات و اخلاق حرفه‌ای وابسته است.



۵) ملاحظات حق کسب خبر

اهمیت حق کسب خبر و حقوق مسلم خبرنگاران در این زمینه باعث نمی‌شود خبرنگاران تشریفات و ملاحظات خاص اداری را در حین انجام وظیفه حرفه‌ای رعایت نکنند. مهم‌ترین این ملاحظات به‌قرار زیر است:

کسب خبر، صرفاً مربوط به وظایف حرفه‌ای خبرنگار است، کلیه حقوقی که خبرنگار در این زمینه دارد تنها وقتی جاری است که وی در مقام انجام وظیفه حرفه‌ای قرار داشته باشد. خبرنگار مانند هر انسان دیگر دو حیثیت متفاوت دارد: یکی حیثیت شغلی و حرفه‌ای است. از این حیث خبرنگار فردی است که موظف است برای انجام وظیفه حرفه‌ای در حوزه خبری معین، اخباری را کسب کند و در اختیار موسسه متبوع خود قرار دهد، در این موقعیت خبرنگار از حق کسب کلیه حقوق ناشی از آن برخوردار است؛ و حیثیت دیگر خبرنگار، مربوط به زندگی عادی اوست که مانند هر فرد دیگری جریان دارد. زمانی که خبرنگار نه در مقام یک خبرنگار، بلکه در مقام یک شهروند عادی اقداماتی را انجام می‌دهد حقوق ناشی از حق کسب خبر بر وی حاکم نیست. همچنین خبرنگار نمی‌تواند فقط به دلیل کنجکاوی یا منافع شخصی در موارد غیرمرتبط با وظایف حرفه خود از حقوق ناشی از حق کسب خبر بهره‌برداری کند. خبرنگار نباید موقعیت حرفه‌ای خود را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف شخصی قرار دهد.

حق انتشار خبر

انتشار خبر مهم‌ترین کار یک خبرگزاری است. همه فعالیت‌های یک خبرگزاری صرفاً مقدماتی برای انتشار اخبار و مطالب متعدد و متنوع هستند و اساساً



موجودیت یک خبرگزاری با انتشار اخبار معنا می‌یابد. فلسفه وجودی خبرگزاری، انتشار خبر است. نتیجه نهایی کار خبرگزاری، در انتشار خبر منعکس شده و کلیه آثار اجتماعی فعالیت آن با انتشار اخبار پدیدار می‌شود. به تعبیر دیگر، دایره مدار گردش آزاد اطلاعات، همان انتشار خبر است. انتشار خبر به همان اندازه که اهمیت دارد موجب مسئولیت خبرگزاری نیز هست. این مسئولیت‌ها عبارت‌اند از مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی.

♦ مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری زمانی مطرح می‌شود که خبر منتشرشده مشمول یکی از عناوین مجرمانه مندرج در قوانین موضوعه کشور باشد. جرائمی از قبیل افترا (ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی)، توهین (ماده ۶۰۷ ق.م.الف)، توهین متعدد (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی)، توهین به مقدسات، ائمه و مقام معظم رهبری، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی (مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی)، نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ ق.م.الف)، فعالیت تبلیغ علیه نظام (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی) و... از جمله این جرائم‌اند. در این مبحث بررسی مختصری از ارکان مادی و معنوی مشترک این جرائم ضروری است.

• رکن مادی

اصولاً فعالیت خبرگزاری، غیر از انجام فعل «بیان» و «انتشار» نیست؛ بنابراین فقط جرائمی بر اثر انتشار اخبار قابل وقوع است که رکن مادی آن‌ها فعل «بیان» یا انتشار باشد؛ لذا جرائمی که رکن مادی آن‌ها فعلی غیر



از بیان یا انتشار است، عقلاً و عملاً قابل وقوع با انتشار اخبار نیستند.

• رکن معنوی

در انواع جرائم قابل وقوع در جریان آزاد اطلاعات برخی با سوءنیت عام قابل وقوع است و برخی نیازمند سوءنیت خاص‌اند که بحث آن‌ها از موضوع پژوهش فعلی خارج است.

نکته مهم این است که باید توجه شود ایرنا و خبرنگاران آن به حکم وظیفه قانونی و نیز وظایف و اقتضات کار حرفه‌ای ملزم به جمع‌آوری و انتشار اخبارند. از سوی دیگر، در کار انتشار خبر، احتمال صدق و کذب یا بروز اشتباه و خطا همواره وجود دارد و هیچ‌گاه هیچ رسانه یا خبرگزاری نمی‌تواند با مصونیت کامل از احتمال خطا در کار خود رفتار و فعالیت کند. در واقع، خطا در ذات مقتضیات این حرفه قرار دارد. کار خبرپراکنی سازمانی نظیر ایرنا که به‌طور قانونی مکلف به انتشار اخبار است، نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. با اندکی مسامحه، احتمال خطا در این حرفه را می‌توان با احتمال خطا در کار قضاوت یا طبابت مقایسه کرد. ممکن است قاضی در مقام تشخیص موضوع و انطباق آن با قانون مرتکب خطا شود و به اشتباه فردی را به زندان یا حتی اعدام محکوم کند. در چنین مواردی، بنا به اصل، قاضی مرتکب جرم بازداشت غیرقانونی یا قتل (امر به قتل) محسوب نمی‌شود، چراکه احتمال خطا همواره جزء ذاتی کار قضاوت است. بنابراین می‌توان به این فرض توجه کرد در مواقعی که بر اثر خطای حرفه‌ای، خبرگزاری مطلبی منتشر می‌کند که ظاهر در وقوع جرم است اصل بر براءت عنصر معنوی است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.



• تحمل بار مسئولیت

چنانچه مطلب محرمانه‌ای در اخبار منتشرشده ایرنا وجود داشته باشد، چه فرد یا افرادی شایسته تعقیب و محاکمه و مجازات‌اند؟ به عبارت دیگر، در چنین مواردی چه کسانی مرتکب به جرم تلقی می‌شوند و مسئولیت کیفری دارند؟

برای پاسخ به این پرسش باید از پیش به این نکته توجه شود که اصولاً در حقوق جزا، فردی را فاعل و مباشر جرم می‌دانند که رکن مادی جرم را (همراه با سوءنیت مجرمانه) مرتکب شده باشد. چنان که دیدیم رکن مادی تمام جرائمی که در این حوزه قابل وقوع‌اند فعل انتشار است، حال پرسش این است که در کار خبرگزاری چه کسی مرتکب فعل انتشار می‌شود؟ خبرنگار یا دبیران سرویس‌ها؟ یا معاون خبر؟ یا مدیرعامل؟

به لحاظ موضوعی می‌دانیم که تمام سلسله‌مراتب سازمانی، تحت دستور مدیرعامل به فعالیت می‌پردازند و در پایان با اجازه ضمنی و قبلی اوست که خبر روی خطوط خبرگزاری منتشر می‌شود. در برخی موارد معدود، ممکن است مدیرعامل به‌طور مستقیم به دلیل اهمیت یک خبر درباره آن تصمیم‌گیری کند، اما در اکثر موارد مدیرعامل، به‌عنوان بالاترین مقام سازمان، به اجزای پایین‌دستی سازمان، به صورت ضمنی و صریح، اجازه اقدام داده است. به عبارت دیگر، مدیرعامل به اقتضای تقسیم کار سازمانی وظایف خود را به اجرای سازمان تفویض کرده است و اگر هریک از اجزای سازمان خبری را از طریق خطوط خبرگزاری منتشر می‌کنند، ناشی از اختیار تفویض مدیرعامل است.

اما چنان که می‌دانیم بنا به قواعد حقوق جزا، مسئولیت کیفری قابل انتقال به غیر نیست، اعم از آنکه



انتقال ارادی باشد یا قهری. بنابراین باید گفت مسئولیت کیفری در وهلهٔ نخست متوجه مدیرعامل سازمان است، مگر آنکه اثبات شود خبرنگار به‌طور عمد از طریق خدعه و فریب اقدام به تنظیم و انتشار خبر مجرمانه کرده است.

♦ مسئولیت مدنی

هرگاه بر اثر تقصیر کسی، زیان مادی یا معنوی به دیگری وارد شود، واردکنندهٔ زیان از باب مسئولیت مدنی ضامن و ملزم به جبران خسارات است.

از نظر حقوقی، تقصیر عبارت است از عدم رعایت نظامات و مقررات و اقتضائات حرفه‌ای و مانند این‌ها.

گاه ممکن است بر اثر انتشار اخبار خبرگزاری به دیگری زیان مادی یا معنوی وارد شود. در این صورت، خبرگزاری از باب مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارات وارده است، اما پرسش جدی این است که با توجه به طبیعت کار خبرگزاری چگونه و در چه شرایطی ممکن است زیان وارد شود و مسئولیت مدنی متوجه آن شود. به‌طور کلی می‌دانیم و مطابق با طبیعت کارهای خبری، بسیاری از اخبار ممکن است موجب خرسندی برخی و ناخشنودی برخی دیگر شوند و به همین دلیل با منافع عده‌ای سازگار و با منافع عده‌ای دیگر ناسازگار است. مطلبی که دربارهٔ یک ورزشکار یا یک تیم ورزشی منتشر می‌شود، اخبار دربارهٔ مطالب هنری یا سیاسی و بسیاری امور دیگر، اصولاً نوعی داوری را به خواننده القا می‌کند که ممکن است علیه افراد بوده و در زندگی شغلی یا اجتماعی آن‌ها تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم بگذارد. مسلّم است که این قبیل تأثیرات را نمی‌توان از مصادیق زیانی که موجب مسئولیت مدنی



است محسوب کرد؛ زیرا نه فقط چنین امری مغایر با ذات و اقتضای کارهای خبررسانی است، بلکه با نظرهٔ تقصیر در حقوق ایران نیز سازگاری ندارد. به خصوص اینکه از نظر اجتماعی، افعال همگان همواره در معرض انواع داوری‌هاست که ممکن است این داوری‌ها له یا علیه افراد باشد.

برای تحقق مسئولیت مدنی، تحقق سه رکن لازم است که عبارت‌اند: ۱. از ارتکاب فعل زیان‌بار، یا تقصیر؛ ۲. ایراد ضرر و زیان به غیر؛ و ۳. رابطهٔ سببیت بین تقصیر و ورود زیان.

• تقصیر

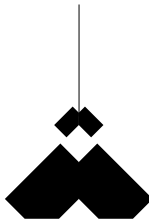
در کار انتشار خبر در خبرگزاری، پیش از این معیارهای متعددی در باب شرایط کسب و انتشار اخبار مطرح شد. این شرایط و پاره‌ای مقررات داخلی و نیز قوانین موضوعه، در زمرهٔ اموری هستند که خبرنگار و خبرگزاری باید از حیث اصول و نظامات و مقررات حرفه‌ای به آن‌ها توجه کنند. از نظر کار خبرگزاری، تقصیر زمانی اتفاق می‌افتد که در انتشار خبر، این قبیل نظامات و مقررات رعایت نشوند. مثلاً طبیعی است به حکم قانون نباید به دیگران افترا وارد کرد. حال چنان که خبرگزاری سهواً این تکلیف قانونی و حرفه‌ای را رعایت نکند و به فرد بی‌گناهی صریحاً نسبت مجرمانه بدهد مرتکب تقصیر شده است، یا همان‌گونه که کسب خبر از حریم خصوصی افراد ممنوع است، انتشار آن‌ها نیز جایز نیست و انتشار چنین اخباری از مصادیق تقصیر است، اما تقریباً هیچ‌گاه تفسیرها و تحلیل‌های نظری نمی‌توانند فعل زیان‌بار محسوب شوند.

• ورود زیان

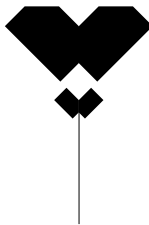
اگر بر اثر تقصیر به کسی زیانی وارد شود، اعم از آنکه



زیان مادی باشد یا معنوی، مانند آنکه خبر دروغی مبنی بر غیربهداشتی بودن یک مادهٔ خوراکی باعث کاهش فروش آن کالا شود به تولیدکنندهٔ آن کالا زیان وارد شده است. همچنین وقتی به کسی مطالب توهین‌آمیز نسبت داده می‌شود به آن شخص زیان وارد شده است، زیان نخست مادی و زیان دوم معنوی است.



واژه‌نامه



در این واژه‌نامه صورت صحیح عبارات و اصطلاحات و اسامی خاصی که ممکن است نوشتن آن‌ها در مطالب خبرگزاری دشوار یا محل اختلاف نظر باشد مشخص شده‌اند. برخی از واژه‌ها و عبارات شرح ندارند و فقط برای ثبت به صورت صحیح آورده شده‌اند. برخی نیز به عبارت‌های دیگری ارجاع داده شده‌اند اما استفاده از هر دو صورت آن‌ها مجاز است.



آ

- آپارتايد:** جدایی نژادی.
- آتاترک، مصطفی کمال:** یکی از روسای جمهور سابق ترکیه.
- آرناجو، ارنستو:** وزیر امور خارجه برزیل.
- آرناسا، خورخه:** وزیر امور خارجه ونزوئلا.
- آستراخان:** نام شهری در روسیه و مرکز استانی به همین نام.
- آلبرتو کوئنسا، کارلوس:** رییس مجلس کلمبیا.
- آل سعود:** طایفه حاکم در عربستان.
- آنخلیکا روحاس ارنداندس، لورا:** رییس مجلس مکزیک.
- آنیس، جنینه:** رییس جمهوری خودخوانده بولیوی.
- آیرو، ژان مارک:** وزیر امور خارجه پیشین فرانسه.

الف

- ابراد، مارسلو:** وزیر امور خارجه مکزیک.
- احراز:** فراهم آوردن، جمع کردن.
- اذعان:** اقرار و اعتراف.
- اراذل:** فرومایگان.
- اردوغان، رجب طیب:** رییس جمهوری ترکیه.
- ارزروم:** شهری در ترکیه. ارض روم نویسیم.
- اسپر، مارک:** وزیر دفاع آمریکا.
- اسپینوسا، فیدل:** رییس مجلس شیلی.
- استارتاپ:** به انگلیسی Startup و به معنی شرکت نوپا.
- استانبول:** شهری در ترکیه.
- استولتبرگ، ینس:** دبیرکل ناتو.
- اسداف، علی:** نخست وزیر آذربایجان.
- اشمید، هلگا:** معاون مدیرکل امور سیاسی سرویس امور خارجی اتحادیه اروپا. تلفظ آن به آلمانی اشمیت است اما باید آن را به تلفظ انگلیسی اشمید بنویسیم.
- اطفای حریق:** خاموش کردن آتش.
- اکسون موویل:** شرکت نفتی آمریکایی.
- اکوادور:** کشوری در آمریکای لاتین.
- ابراین، رابرت:** مشاور امنیت ملی آمریکا.
- ایور توئیست:** رمان مشهور چارلز دیکنز.
- امرار معاش:** گذران زندگی.
- امهال:** زمان و مهلت دادن.
- الانبار:** نام یکی از استان های عراق.
- البصری، ابوعلی:** معاون الحشد الشعبی.
- اندرابی، مسعود:** وزیر کشور افغانستان.
- انگلیس:** نام کشوری که به همراه ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی انگلستان یا بریتانیا را تشکیل می دهند. به جای انگلیس از انگلستان استفاده نکنیم.



آنستیتو: موسسه.

اوتیسیم: نام نوعی اختلال فردی در ارتباطات اجتماعی.

اوراسیا: ترکیب دو قاره آسیا و اروپا. اورآسیا ننویسیم.

اوربان، ویکتور: نخست وزیر مجارستان.

اورتگا، دانیل: رئیس جمهوری نیکاراگوئه.

اوکتای، فوات: معاون رئیس جمهوری ترکیه.

اوکراین: کشوری در منطقه بالکان.

اویغور: مرکز استان مسلمان نشین سین کیانگ در چین.

اهتراز: تکان خوردن، جنیدن.

اهمال: سهل انگاری.

ایدربکوف، چنگیز: وزیر امور خارجه قرقیزستان.

ایلدیریم، بینالی ← ییلدیریم، بینالی

ایمیدرو ← سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

ایتلیجنس سرویس: سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا.

آیندپیندنت: روزنامه‌ای در بریتانیا.

ایوض اف، ولایت: وزیر کشور جمهوری آذربایجان.

ب

بابایف، مختار: وزیر محیط زیست و ذخایر طبیعی جمهوری آذربایجان.

بابایف، ساحل: وزیر کار و تامین اجتماعی جمهوری آذربایجان.

باتت، هریتخی: رئیس مجلس نمایندگان اسپانیا.

باتون: باتوم اشتباه است.

باشله، میشل: کمیسر عالی حقوق بشر.

بارزانی، نیچروان: رئیس اقلیم کردستان عراق.

بایدن، جو: نامزد مطرح دموکرات انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا.

بایرام اف، جیهون: وزیر آموزش و پرورش جمهوری آذربایجان.

بالعکس ← برعکس.

برحذر داشتن: جلوگیری کردن.

برعکس: ننویسیم بلعکس.

برکو، جان: رئیس مجلس عوام انگلستان.

بروکینگز: موسسه تحقیقاتی آمریکایی.

بری، نبیه: رئیس مجلس لبنان.

بگرام: شهری در افغانستان.

بلیت

بوتجیح، پیت: نامزد مطرح دموکرات انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا.

بورديو، پی‌یر: جامعه‌شناس فرانسوی.

بورل، جو‌سپ: مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جانشین موگرینی.

بورنموث: تیم فوتبال انگلیسی که در لیگ برتر بازی می‌کند. نباید آن

را با تیم دیگری به نام پورتموث که در لیگ دسته دو انگلیس بازی می‌کند

اشتباه گرفت.



بوروکراسی: دیوان‌سالاری، نظام اداری.
بوریسوف، بویکو: نخست‌وزیر بلغارستان.
بوستون: مرکز ایالت ماسوچوست آمریکا.
بوسنی و هرزگوین: کشوری در منطقه بالکان.
بولسونارو، ژائیر: رییس جمهوری برزیل.
بولیوار: واحد پول ونزوئلا.
بولیویانو: واحد پول بولیوی.
بهارتیا جانتا پارتی: حزب سیاسی هندوستان.
بیرلا، اوم: رییس پارلمان هندوستان.
بیلمز، محمدامین: استاندار وان.

پ

پارا، لوئیس: رییس مجلس ونزوئلا.
پارک گئون هی: رییس جمهوری کره جنوبی.
پاری سن ژرمن: نام تیم فوتبال فرانسوی.
پرتوریا: پایتخت اجرایی آفریقای جنوبی.
پروتکل: تشریفات.
پرونه، جوزپه: سفیر ایتالیا در ایران.
پری، ریک: وزیر انرژی آمریکا.
پریستایکو، وادیم: وزیر امور خارجه اوکراین.
پست بانک ← شرکت پست بانک.
پلاکارد: پارچه‌نوشته.

پلمپ

پلوسی، نانسی: رییس مجلس نمایندگان آمریکا.
پلیتیکو: وب‌سایت خبری انگلیسی‌زبان.
پنس، مایک: معاون رییس جمهوری آمریکا.
پوپولیسم: روشی سیاسی در طرفداری از علایق عامه به جای نخبگان.
پوراس کورتس، گوستاوو: رییس مجلس نیکاراگوئه.
پومپئو، مایک: وزیر امور خارجه آمریکا.
په‌له: اسطوره فوتبال برزیل.
پهپاد: مخفف پرنده هدایت‌پذیر از راه دور.
پینیرا، سباستین: رییس جمهوری شیلی.

ت

تبعات: عواقب و پیامدها.
تحت الشعاع: چون هر دو جزء عبارت عربی است باید با الف و لام بیاید.
ترامپ، دونالد: رییس جمهوری آمریکا.
ترودو، جاستین: نخست‌وزیر کانادا.
ترینیداد و توباگو: کشوری در دریای کارائیب.



تل اوپو: نام مرکز رژیم اسرائیل.
تلوبردی، مختار: وزیر امور خارجه قزاقستان.
توافقنامه سنگن
توفیق علاوی، محمد: نخست وزیر عراق.
تویتتر
تیرک دروازه

ج

جامو و کشمیر: ایالتی در شمال غربی هند.
جامه عمل پوشاندن: عملی کردن.
جانسون، بوریس: نخست وزیر انگلیس.
جانگ، دی جیانگ: رییس کنگره ملی خلق چین.
جاوید باجوا، قمر: فرمانده ارتش پاکستان.
جایشنکار، سوبرامانیاام: وزیر امور خارجه هندوستان.
جبارف، میکایل: وزیر اقتصاد جمهوری آذربایجان.
الجبوری، سلیم: رییس مجلس عراق.
الجوف: استانی در یمن.
جو مارت توکایف، قاسم: رییس جمهوری قزاقستان.
جینبکوف، سورونبای: رییس جمهوری قرقیزستان.

چ

چاووش اوغلو، مولود: وزیر امور خارجه ترکیه.
چخانسوری، هارون: وزیر امور خارجه افغانستان.
چذابه: منطقه ای در خوزستان.

ح

حتی، ناصیف: وزیر امور خارجه لبنان.
الحریری، سعد: نخست وزیر مستعفی لبنان.
حدود و ثغور: محدوده ها و مرزها.
حسن اف، ذاکر: وزیر دفاع جمهوری آذربایجان.
الحسکه: نام یکی از استان های سوریه.
الحشد الشعبی: عنوان نیروهای بسیج مردمی عراق.
الخلبوسی، محمد: رییس پارلمان عراق.
الحمیم، عبدالطیف: رییس دیوان اوقاف عراق.
حظ بردن: بهره و نصیب بردن.
حما: یکی از شهرهای سوریه و مرکز استان حمات
حواط، طلال: وزیر مخابرات لبنان.
حیات خلوت
حیث: جا. اصطلاح از حیث یعنی از لحاظ.
حیدراف، کمال الدین: وزیر حوادث غیر مترقبه جمهوری آذربایجان.



حیص و بیص: گیرودار، مخمصه.

خ

خارگ: جزیره‌ای در خلیج فارس.

خاشقچی، جمال: روزنامه‌نگاری مقتول واشنگتن پست.

خدا حافظی

خالدالملا، شیخ: رهبر جماعت اسلامی عراق.

خروئف

الخزعلی، قیس: دبیرکل کتائب حزب‌الله.

خشکه مقدس: کسی که به ظواهر امور مذهبی توجه دارد، نه به باطن

آن.

خلاء: تهی بودن.

خلیل زاد، زلمای: نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان.

د

داوود اُغلو، احمد: نخست‌وزیر مستعفی ترکیه.

درد دل: شرح غم‌ها و بیان اندوه خود به دیگری.

درلاین، اورزولافون: رییس کمیسیون اتحادیه اروپا.

دست کم: حداقل، کمترین حد.

دکترا: عالی‌ترین مدرک دانشگاهی در ایران.

دموکراسی

دوبی: پایتخت امارات متحده عربی.

دوترته، رودریگو: رییس جمهوری فیلیپین.

دوجاریک، استفان: سخنگوی دبیر کل سازمان ملل.

دوستم، عبدالرشید: معاون اول افغانستان.

دوکه، ایوان: رییس جمهوری کلمبیا.

دومینیکن: کشوری در دریای کارائیب.

دیاب، حسان: نخست‌وزیر لبنان.

دیاس کانل، میگل: رییس جمهوری کوبا.

دی پرسه: روزنامه اتریشی.

دیده بان

دیون، استفان: وزیر امور خارجه کانادا.

دیمیستورا، استفان: نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه.

دی مایو، لوئیجی: وزیر امور خارجه ایتالیا.

دیواس، بتسی: وزیر آموزش کابینه ترامپ.

ر

راب، دومینیک: وزیر امور خارجه انگلیس.

رافال: جنگنده‌ای فرانسوی.

ربات



رباط: پایتخت مغرب.

الرقه: یکی از استان‌های سوریه.

رکورددار

الرمادی: مرکز استان الانبار.

رنتزی، ماتئو: نخست‌وزیر ایتالیا.

رودریگس، برونو: وزیر امور خارجه کوبا.

روهینگیا: از اقوام کشور میانمار.

رنال: واحد پول برزیل.

ریاباکوف، سرگئی: معاون وزیر امور خارجه روسیه.

ریبرا، تئودور: وزیر امور خارجه شیلی.

رییس جمهوری: جمهور یعنی مردم و رییس جمهور یعنی رییس مردم،

حال آنکه او رییس مردم و رییس نظام یا سیستمی است به نام جمهوری.

ز

زادبوم: زادگاه.

زالکالیانی، داوید: وزیر امور خارجه گرجستان.

زرتشت

زغال سنگ

زنسکی، ولودومیر: رییس جمهوری اوکراین.

زمان، میلوش: رییس جمهوری چک.

زورایشویلی، سالومه: رییس جمهوری گرجستان.

زوما، جاکوب: رییس جمهوری آفریقا.

زیمبابوه: کشوری در قاره آفریقا.

س

سازمان بنادر ← سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی.

سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی: به اختصار می‌توان

سازمان بنادر نوشت.

سازمان تنظیم مقررات ← سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی.

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی: به اختصار می‌توان

سازمان تنظیم مقررات نوشت.

سازمان توسعه مدارس ← سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس.

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران: آن را

به اختصار ایمدرو می‌نامند.

سازمان سینمایی ← سازمان سینمایی و امور سمعی و بصری.

سازمان سینمایی و امور سمعی و بصری: به اختصار می‌توان سازمان

سینمایی نوشت.

سازمان فضایی ← سازمان فضایی ایران.

سازمان فضایی ایران: به اختصار می‌توان سازمان فضایی نوشت.

سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و خانواده:



به اختصار می توان سازمان مدارس غیردولتی نوشت.
سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس: به اختصار می توان سازمان توسعه مدارس نوشت.

سازمان نهضت سوادآموزی: به اختصار می توان نهضت سوادآموزی نوشت.

سازمان هواپیمایی ← سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران.
سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران: به اختصار می توان سازمان هواپیمایی نوشت.

سائولی، دیوید: رییس پارلمان اتحادیه اروپا.

سانچس، پدرو: نخست وزیر اسپانیا.

سانس: نوبت نمایش فیلم در سینما.

سلامه، ریاض: رییس کل بانک مرکزی لبنان.

سن پترزبورگ: شهری در روسیه و پایتخت قدیم این کشور.

سن درز، برنی: نامزد مطرح دموکرات ۲۰۲۰ آمریکا.

سن دیه گو: شهری ساحلی در جنوب کالیفرنیا.

سوءاستفاده: سوءاستفاده اشتباه است و چون هر دو جزء عربی است باید با همزه نوشته شود.

سوچی: شهری در روسیه.

سولا، فلیپه: وزیر امور خارجه آرژانتین.

سوماروگا، سیمونتا: رییس جمهوری سوئیس.

سونوگرافی: یکی از روش های تشخیص در پزشکی.

سوئیفت: جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی. سوئیفت هم صحیح است.

السیسی، عبدالفتاح: رییس جمهوری مصر.

سینتارامان، نیرمالا: وزیر اقتصاد هندوستان.

سین جیم: به معنای سؤال و جواب.

سین کیانگ: استانی مسلمان نشین در چین.

سینگ، راجنات: وزیر دفاع هندوستان.

ش

شاغول

شالنبورگ، الکساندر: وزیر امور خارجه اتریش.

شاه، آمیت: وزیر کشور هندوستان.

شرکت ارتباطات ثابت ← شرکت ارتباطات ثابت ایران.

شرکت ارتباطات ثابت ایران: به اختصار می توان شرکت ارتباطات ثابت نوشت.

شرکت ارتباطات سیار ← شرکت ارتباطات سیار ایران.

شرکت ارتباطات سیار ایران: به اختصار می توان شرکت ارتباطات سیار نوشت.

شرکت پست ← شرکت مادر تخصصی پست ایران.



شرکت پست بانک: به اختصار می‌توان پست بانک نوشت.
شرکت توسعه زیربناهای حمل و نقل ← شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل.

شرکت خدمات هوایی بین‌المللی و منطقه ویژه اقتصادی پیام:
 به اختصار می‌توان منطقه ویژه اقتصادی پیام یا فرودگاه پیام نوشت.
شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل: به اختصار می‌توان شرکت توسعه زیربناهای حمل و نقل نوشت.

شرکت فرودگاه‌ها ← شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران.
شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران: به اختصار می‌توان شرکت فرودگاه‌ها نوشت.

شرکت مادر تخصصی پست ایران: به اختصار می‌توان شرکت پست نوشت.

شرکت مادر تخصصی مخابرات ایران: به اختصار می‌توان شرکت مخابرات نوشت.

شرکت مخابرات ← شرکت مادر تخصصی مخابرات ایران.
شنگن ← توافقنامه شنگن.

شورولیت: نام خودرو معروف آمریکایی.

شوئیگو، سرگئی: وزیر دفاع روسیه.

شی، جین پینگ: رئیس‌جمهوری خلق چین.

ص

صادق، نزهت: رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس پاکستان و عضو حزب حاکم مسلم لیگ.

صبغه تاریخی: صبغه به معنی رنگ.

صدر، مقتدی: رهبر جریان صدر در عراق که گاهی نیز از او به رهبر مذهبی این جریان اشاره می‌کنند. اما نباید او را رهبر معنوی خطاب کنیم چون این عنوان مختص پیامبران، امامان معصوم و عارفان حقیقی است.

الصمیدی، شیخ مهدی: رئیس دارالافتا عراق.

ض

ضرب الاجل: مهلت.

ط

طرابلس: پایتخت لیبی و همچنین شهری در شمال لبنان.

ع

عاشیق: نغمه‌سرای سیار آذری که ساز می‌زند و آواز می‌خواند.

عامری، هادی: دبیرکل سازمان بدر عراق.

العبادی، حیدر: نخست‌وزیر عراق.

عبدالصمد، منال: وزیر اطلاع‌رسانی.



عبدالقاضی اف، محمد قالی: نخست وزیر قرقیزستان.
عبدالمهدی، عادل: نخست وزیر دولت پیشبرد امور عراق.
علاقه مند

علاوی، ایاد: نخست وزیر اسبق عراق.
علی اف، الهام: رئیس جمهوری آذربایجان.
عون، میشل: رئیس جمهوری لبنان.

غ

غائله: دشواری، سختی، آشوب.

غل و غش: کینه و غرض.

غلغل

غلغله: شلوغ.

الغنوشی، راشد: رهبر اسلام گرایان تونس.
غنی، محمد اشرف: رئیس جمهوری افغانستان.

ف

فارن پالیسی: مجله ای انگلیسی زبان در حوزه روابط بین الملل.

فانگ، فوی هوی: رئیس ستاد کل ارتش چین.

فایننشال تایمز: روزنامه ای بریتانیایی. از اصطلاح تایمز مالی برای آن استفاده نکنیم.

فتوشاپ: نرم افزار ویرایش تصویر.

فتوکپی

الفجیره: منطقه ای در شرق عربستان.

فرناندز، آلبرتو: رئیس جمهوری آرژانتین.

فرودگاه پیام ← شرکت خدمات هوایی بین المللی و منطقه ویژه اقتصادی پیام

فلین، مایکل: مشاور سابق امنیت ملی ترامپ.

فناوری

فهمی، محمد: وزیر کشور لبنان.

فیاض، فالح: رئیس الحشد الشعبی.

فیدان، هاکان: رئیس سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه.

فیلیپ، ادوارد: نخست وزیر فرانسه.

فیلیپ شامپن، فرانسوا: وزیر امور خارجه کانادا.

ق

قافله: به معنای کاروان.

قتل عام: کشتار جمعی.

قسر در رفتن: جان سالم به در بردن.

قلیچدار اوغلو، کمال: رهبر حزب جمهوری خواه خلق ترکیه.

قلی اف، مدد: وزیر صنایع دفاعی جمهوری آذربایجان.



قلی اف، الچین: فرمانده نیروی مرزبانی جمهوری آذربایجان.
قلی بردی محمدف، قربان: رئیس جمهوری ترکمنستان.

ک

کاتالونیا: بخشی خودمختار در اسپانیا.
کازان: پایتخت جمهوری تاتارستان.
کازنو، برنار: وزیر کشور فرانسه.
کاملوف، عبدالعزیز: وزیر امور خارجه ازبکستان.
کانون پرورش فکری ← **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.**
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: به اختصار می‌توان
 کانون پرورش فکری نوشت.
کج‌دار و مریز: رفتار با احتیاط.
الکراده: نام منطقه‌ای در بغداد.
کرایا: ایالتی در هند.
کرزی، حامد: رئیس جمهوری پیشین افغانستان.
کرفت، کریم: سفیر در سازمان ملل.
کریم اف، اسلام: رئیس جمهوری ازبکستان.
کریم اف، اینام: وزیر کشاورزی جمهوری آذربایجان.
کسب‌وکار
کستنر، کریستوف: وزیر کشور فرانسه.
الکعبی، اکرم: دبیر کل جنبش النجباء.
کوردوبا: واحد پول نیکاراگوئه.
کورتز، سباستین: صدراعظم اتریش.
کوروش
کوریره دلا سِرا: روزنامه مشهور ایتالیایی.
کوزوو: کشوری در شبه‌جزیره بالکان.
کوشنر، جرد: داماد ترامپ.
کوله‌بار
کوله‌بر
کوله‌پشتی
کونته، جوزپه: نخست‌وزیر ایتالیا.
کویند، رام‌نات: رئیس جمهوری هندوستان.
کی‌یف: پایتخت اوکراین.

گ

گاخاریا، گئورگی: نخست‌وزیر گرجستان.
گاریباشویلی، ایراکلی: وزیر دفاع گرجستان.
گرابار کیتاروویچ، کولیندا: رئیس جمهوری کرواسی.
گراندی، فیلیپو: کمیسر عالی امور پناهندگان.
گوترش، آنتونیو: دبیرکل سازمان ملل.



گولر، یاشار: رییس ستاد ارتش.
گونسالس لایا، آرانچا: وزیر امور خارجه اسپانیا.

ل

لاسو، استبان: رییس مجلس کوبا.
لاوروف، سرگئی: وزیر امور خارجه روسیه.
لجستیکی: مربوط به حمل و نقل.
لودریان، ژان ایو: وزیر امور خارجه فرانسه.
لوکاشنکو، الکساندر: رییس جمهوری بلاروس.
لوکوموتیو
لونگاریک، کارن: وزیر امور خارجه بولیوی.
لویزاگا، الادیو: وزیر امور خارجه پاراگوئه است.
لی، که چیانگ: نخست وزیر چین.
لی ناک یون: نخست وزیر کره جنوبی.

م

ماتارلا، سرجیو: رییس جمهوری ایتالیا.
مادورو، نیکلاس: رییس جمهوری ونزوئلا.
ماری جوانا: یک نوع ماده مخدر.
ماس، هایکو: وزیر امور خارجه آلمان.
ماسا، سرخیو: رییس مجلس آرژانتین.
مانوئل لویز اوبرادور، آندرس: رییس مجلس مکزیک.
المالکی، نوری: نخست وزیر پیشین عراق.
متیس، جیمز: وزیر دفاع آمریکا.
محمدیاراف، المار: وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان.
مخدوش: گاهی خدشه‌دار هم به جای آن به کار می‌رود. برای این معنی از مغشوش استفاده نکنیم.

مرده‌شوی

مریدف، رشید: وزیر امور خارجه ترکمنستان.
مصطفی اف، شاهین: معاون نخست وزیر جمهوری آذربایجان.
معتنابه: قابل اعتنا.

مرکز تحقیقات مخابرات ← مرکز تحقیقات مخابرات ایران
مرکز تحقیقات مخابرات ایران: به اختصار می‌توان مرکز تحقیقات مخابرات نوشت.

معاونت امور فرهنگی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی):
به اختصار می‌توان معاونت فرهنگی نوشت.

معاونت امور هنری (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی): به اختصار می‌توان معاونت هنری نوشت.

معاونت فرهنگی ← معاونت امور فرهنگی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)



معاونت مطبوعاتی ← معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی): به‌اختصار می‌توان معاونت مطبوعاتی نوشت.
معاونت فرهنگی ← معاونت امور فرهنگی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

معصوم، فواد: رییس جمهوری عراق.

مغرب: کشوری در شمال غرب آفریقا. به جای آن از مراکش استفاده نکنیم.

مکرون، امانوئل: رییس جمهوری فرانسه.

مک کانل، مبیج: رییس اکثریت سنا در آمریکا.

مونوکسید کربن

مکانیک

ممیش، اوکای: استاندار ارزروم.

منصه ظهور: منصب به‌معنی جای ظاهرشدن چیزی است.

منطقه ویژه اقتصادی پیام ← شرکت خدمات هوایی بین‌المللی و منطقه ویژه اقتصادی پیام

منوچین، استیو: وزیر خزانه‌داری آمریکا.

مواجهه: نباید نوشت مواجه.

مودی، نارندرا: نخست‌وزیر هند.

مورالس، اوو: رییس جمهوری مستعفی بولیوی.

مورالید هاران، وی: مشاور وزیر امور خارجه هندوستان.

موگرینی، فدریکا: نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای که به برجام انجامید.

مونکادا کولیندرس، دنیس رونالدو: وزیر امور خارجه نیکاراگوئه.

مهیا: آماده.

میرضیایف، شوکت: رییس جمهوری ازبکستان.

میشوستین، میخائیل: نخست‌وزیر روسیه

مینه‌سوتا: ایالتی در آمریکا.

ن

نامرئی: نامشهود.

نایدو، ونکا: معاون رییس جمهوری هندوستان.

نینزیا، واسیلی: سفیر روسیه در سازمان ملل.

نتانیا هو، بنیامین: نخست‌وزیر سابق رژیم اسرائیل.

نقی اف، علی: رییس سرویس امنیت دولتی جمهوری آذربایجان.

نوئرت، هدر: سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا.

نوتردام: کلیسایی در فرانسه.

نهضت سوادآموزی ← سازمان نهضت سوادآموزی.

نیوزیلند: کشوری در جنوب غربی اقیانوس آرام. زلاند نو ننویسیم.



۹

- وارن، الیزابت: نامزد مطرح دموکرات انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا.
والاس، بن: وزیر دفاع انگلیس.
والتر اشتاینمایر، فرانک: رییس جمهوری آلمان.
وانگ، یی: وزیر امور خارجه چین.
وزارت ارتباطات ← وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: به اختصار می توان وزارت ارتباطات نوشت.
وزارت اقتصاد ← وزارت امور اقتصادی و دارایی.
وزارت امور اقتصادی و دارایی: به اختصار می توان وزارت اقتصاد نوشت.
وزارت امور خارجه: به اختصار می توان وزارت خارجه نوشت.
وزارت بهداشت ← وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: به اختصار می توان وزارت بهداشت نوشت.
وزارت تعاون ← وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: بسته به موضوع خبر، می توان به اختصار وزارت تعاون، وزارت کار یا وزارت رفاه نوشت.
وزارت جوانان ← وزارت ورزش و جوانان.
وزارت جهاد کشاورزی: به اختصار می توان وزارت کشاورزی نوشت.
وزارت خارجه ← وزارت امور خارجه.
وزارت دفاع ← وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: به اختصار می توان وزارت دفاع نوشت.
وزارت راه ← وزارت راه و شهرسازی.
وزارت راه و شهرسازی: به اختصار می توان وزارت راه نوشت.
وزارت رفاه ← وزارت تعاون، کار و رفاه.
وزارت صمت ← وزارت صنعت، معدن و تجارت.
وزارت صنعت ← وزارت صنعت، معدن و تجارت.
وزارت صنعت، معدن و تجارت: بسته به موضوع خبر، می توان وزارت صمت یا وزارت صنعت نوشت.
وزارت علوم ← وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: به اختصار می توان وزارت علوم نوشت.
وزارت فرهنگ ← وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: به اختصار می توان وزارت فرهنگ نوشت.
وزارت کار ← وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
وزارت کشاورزی ← وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
وزارت گردشگری ← وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.



وزارت میراث فرهنگی ← وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری: بسته به موضوع خبر، می‌توان وزارت میراث فرهنگی یا وزارت گردشگری نوشت.

وزارت ورزش ← وزارت ورزش و جوانان.

وزارت ورزش و جوانان: بسته به موضوع، به‌اختصار می‌توان وزارت ورزش یا وزارت جوانان نوشت.

وزنی، غازی: وزیر دارایی لبنان.

وست مینستر: محدوده‌ای در مرکز لندن.

وهله: نوبت.

ویلسون، راس: سفیر آمریکا در افغانستان.

ه

هاپتون، نیکلاس: سفیر انگلستان در ایران.

هبه: هدیه، بخشش.

هجمه: حمله.

هشتگ: در انگلیسی hashtag و به معنی برچسبی برای دسته‌بندی و اشتراک‌گذاری پست‌ها در شبکه‌های اجتماعی.

هواوی: شرکت چینی حوزه ارتباطات.

هوک، برایان: مسئول امور ایران در وزارت امور خارجه.

هولمس تروخیو، کارلوس: وزیر امور خارجه کلمبیا.

هونچاروک، اولکسی: نخست‌وزیر اوکراین.

ی

یگان: سازمانی درون نیروهای مسلح.

ییلدیریم، بینالی: نخست‌وزیر ترکیه.





IRNA
1934

The Islamic Republic News Agency